

# درآمدی نظری بر مفهوم تخصص‌گرایی در مطالعات باستان‌شناختی

حمیدرضا ولی‌پور

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## چکیده

مطالعه تخصص‌گرایی فن و تخصص‌گرایی اقتصادی در جوامع پیش‌ازتاریخی و چگونگی استنباط تخصص‌گرایی، میزان و مقیاس آن، از میان مدارک باستان‌شناختی با دشواری‌های فراوانی روبرو است. اصطلاح «تخصص‌گرایی» به عنوان یک موضوع مهم در ارتباط با اقتصاد جوامع باستان مدت‌هاست که مورد توجه انسان‌شناسان و باستان‌شناسان قرار گرفته است. از دهه ۱۹۶۰ میلادی تعریف اصطلاح «تخصص‌گرایی»، خاستگاه‌های آن و تعریف باستان‌شناختی این شکل از سازمان تولید همواره در کانون مباحث باستان‌شناسی بوده است. در صورت عدم وجود معیارهای روشن برای تشخیص تخصص‌گرایی و بدون درک درستی از مفهوم این واژه، ممکن است محققین باستان‌شناس در تفسیر داده‌های خود به بیراهه روند. باستان‌شناسان خاستگاه‌های تخصص‌گرایی را با استفاده از سه نوع مدل تفسیر می‌کنند: ۱- مدل توسعه تجاری، ۲- مدل تطبیقی، ۳- مدل سیاسی. مدل‌های مذکور ضمناً رهیافت‌های متفاوت به موضوع مطالعه تخصص‌گرایی در باستان‌شناسی را نشان می‌دهند. این رهیافت‌ها با تطور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع ارتباط دارند. در این مقاله مفهوم و ابعاد تخصصی شدن پیشه، سازمان تولید، استانداردسازی، سبک، سرمایه‌گذاری کار، مقیاس و روش تخصصی شدن مورد توجه قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** تخصص‌گرایی، استانداردسازی، سبک، سازمان تولید، پیچیدگی فرهنگی.

## درآمد

تولید، مقیاس و شدت تولید و موضوعاتی از این دست داریم. انسان‌شناسان و باستان‌شناسان شماری از رهیافت‌های نظری مختلف برای مطالعه ارتباط بین تخصصی شدن فن و پیچیدگی اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند (Tosi, 1984; Shanks & Tilley, 1987; Clark & Parry, 1991; Cobb, 1996; Costin, 1991; Pollock, 1999). برخی از آنها تلاش نموده‌اند تخصصی شدن حرفه را با سازمان تولید و اقتصاد سیاسی جوامع مرتبط کنند (بنگرید به، Sanders & Service, 1962).

در سال‌های اخیر مباحث فراوانی در باره تخصصی شدن فن و حرفه در باستان‌شناسی مطرح شده است، بیشتر این مباحث بر پایه مطالعات مردم‌نگاشتی استوار شده است (مثلاً بنگرید، Shepard, 1965; Rice, 1981; 1987; Dow, 1985; Earle, 1987; Brumfiel & Earle, 1987; Benco, 1988; Stark, 1991). از رهگذر این مطالعات اکنون ما درک درست‌تری از اصطلاحاتی چون تخصص‌گرایی فن، سازمان

است (مثلاً بنگرید به، Flannery, 1972; Clark & Parry, 1991; Peregrine, 1991: 8; Stein, 1996: 25). بنابراین شایسته است پیش از پرداختن به بحث تخصص‌گرایی در پیش از تاریخ و نقش آن در تطور اجتماعی و اقتصادی جوامع، و برای ایجاد یک همگونی در تعریف و اجتناب از مغالطه کاری به تعریف اصطلاح «تخصص‌گرایی»<sup>۱</sup> یا «تخصص‌گرایی فن»<sup>۲</sup> پردازیم.

این اصطلاح برگرفته از کلمه «تخصص» به معنی خاص گردیدن و به امری مخصوص شدن یا در کاری مهارت داشتن است (معین، ۱۳۸۴: ۳۴۴)، بر همین اساس تخصص‌گرایی، مبادرت و اراده کردن به امری خاص و ویژه است و متخصص کسی است که تمام یا بخشی از وقتش را به کار یا فعالیتی ویژه می‌پردازد؛ مبادرت به امر خاص و ویژه در کلیه شئون مادی و معنوی بشر (اقتصاد، اجتماع، سیاست، مذهب، و فرهنگ) وجود دارد. بنابراین متخصصین یک جامعه ممکن است روحانیون یا متخصصین مذهبی باشند؛ یا صنعتگرانی که در فرایند های تکنولوژیکی گوناگون مهارت یافته اند؛ و یا کاتبان، هنرمندان، موسیقیدانان؛ مدیران؛ یا متخصصین اقتصادی، همچون بازرگانان حرفه ای باشند. بنابراین در بحث پیرامون تطور فرهنگی جوامع تمام جنبه های تخصص‌گرایی دارای اهمیت مطالعاتی است.

در باستان‌شناسی این اصطلاح اغلب متضمن معانی اقتصادی است، و بیشتر در رابطه با سازمان تولید جوامع مطرح می‌شود؛ اما مطالعه تخصص‌گرایی فن و تخصص‌گرایی اقتصادی در جوامع پیش از تاریخی و چگونگی استنباط تخصص‌گرایی، میزان و مقیاس آن، از میان مدارک باستان‌شناختی با دشواریهای فراوانی روبروست. تخصص در فعالیتهای تولیدی اغلب در جوامعی اتفاق می‌افتد که انسان‌شناسان و باستان‌شناسان از آنها با نام جوامع پیچیده و مرکب یاد می‌کنند. در چنین جوامعی سازمان اجتماعی با سازمان اقتصادی ارتباطی تنگاتنگ دارد و تطور در یکی ممکن است موجب تطور در دیگری شود.

Price, 1968; Flannery, 1972; Engels, 1972; Friedman & Rowlands, 1977; Blanton & Feinman, 1984; Tosi, 1984; Chang, 1986; Brumfiel & Earle, 1987; Peregrine, 1991; Pollock, 1999). در این رهیافت، پیچیدگی اجتماعی از یک طرف با انسجام اجتماعی پیوند دارد و از طرف دیگر با توجه باینکه تولید مازاد موجب رشد نابرابری های اجتماعی است، با نابرابری های اجتماعی مرتبط است. تخصص‌گرایی یکی از جنبه های مهم مدل چایلد در زمینه تطور فرهنگی بود (Childe, 1958: 162-73). علیرغم انتقاداتی که درباره مفهوم تخصص‌گرایی و برداشت‌های رایج از آن در باستان‌شناسی مطرح است (مثلاً بنگرید، Smith, 2004)، بسیاری از باستان‌شناسان و انسان‌شناسان بر این باور هستند که یکی از دلایل یا شواهد پیچیدگی اجتماعی و اقتصادی جوامع وجود متخصصین صنعتی است، اما مسأله مهم چگونگی تشخیص تخصص‌گرایی در جوامع باستان از میان مدارک باستان‌شناختی است. در صورت عدم وجود معیارهای روشن برای تشخیص تخصص‌گرایی و بدون درک درستی از مفهوم این واژه، ممکن است محققین باستان‌شناس در تفسیر داده های خود به بیراهه روند. بنابراین در این مقاله مفهوم و ابعاد تخصصی شدن پیشه، سازمان تولید، استانداردسازی، سبک، سرمایه‌گذاری کار، مقیاس و روش تخصصی شدن مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این مقاله تلاش می‌شود نقش تخصص‌گرایی فن در تطور اقتصادی و اجتماعی جوامع به طور توأمان مورد توجه قرار گیرد.

### تخصص‌گرایی فن

اصطلاح «تخصص‌گرایی» به عنوان یک موضوع مهم در ارتباط با اقتصاد جوامع باستان مدتهاست که مورد توجه انسان‌شناسان و باستان‌شناسان قرار گرفته است (مثلاً بنگرید به، Service, 1962; Childe, 1974; Rice, 1981; 1987; 1991; Blackman et al., 1993). این اصطلاح از دیدگاه‌های مختلفی تعریف شده است و بر این اساس نقش آن در سیر تطور جوامع مورد ارزیابی قرار گرفته است. موضوع تخصص‌گرایی با تطور اجتماعی و اقتصادی جوامع و به طور کلی با پیچیدگی های فرهنگی جوامع ارتباط مستقیم دارد و حتی از آن به عنوان یک عامل کلیدی در اقتصاد سیاسی جوامع پیچیده یاد شده

1- Specialization  
2- Craft Specialization

تخصص‌گرایی را فرایندی پیچیده می‌داند که مجموعه‌ای از رفتارهای گوناگون را در بر می‌گیرد.

مشابه با مدلی که فردریش انگلس در دهه ۱۸۸۰ توسعه داد، مدلی اقتباس شده است که فرض می‌کند تولید مازاد محصول پیش شرط لازم برای وجود متخصصین در یک جامعه است و بنابراین تخصص‌گرایی نمی‌تواند در جوامع یا گروه‌های پیش‌کشاورز یافت شود (Gamble, 1982). با شروع مطالعات متمرکز بر روی جوامع شکارچی-گردآورنده امروزی در دهه ۱۹۶۰، آشکار شد که این فرض لزوماً معتبر نیست. مارشال سلینز یکی از نخستین کسانی بود که این فرض را مورد پرسش قرار داد و بر اساس مشاهدات خود عقیده داشت که جوامع شکارچی-گردآورنده اوقات فراغت بیشتری برای فعالیتهای تخصصی نسبت به جوامع کشاورز داشتند (Sahlins, 1958; 1972). ساختار سیاسی جوامع متمرکز، چون خان‌سالارها یا جوامع حکومتی، تخصص‌گرایی را به واسطه افزایش بازدهی در تولید تسهیل می‌کند. تخصص‌گرایی پاره‌وقت به تولید مازاد محصول منجر نمی‌شود. بیشتر جوامع شکارچی-گردآورنده حداقل دارای متخصصین مذهبی هستند؛ این متخصصین در بخشی از اوقاتشان به فعالیتهای امرار معاش نیز می‌پردازند، همانند آنچه همه اعضای این جوامع انجام می‌دهند.

یکی از نخستین باستان‌شناسانی که به عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری تخصص‌گرایی فن در جوامع اولیه پرداخت گوردن چاپلند بود (1974; 1950; 1936). تصور چاپلند از جوامع پیچیده و مرکب اولیه در بین‌النهرین شناسایی ظهور تخصصی شدن فن به عنوان ویژگی کلیدی «انقلاب شهرنشینی» بود. چاپلند (1974: 10) عنوان نمود که نتیجه کشاورزی آبی، مازاد محصول در مقیاس زیاد و کافی برای پشتیبانی مراکز شهری، نخبه‌های حاکم، و نوع مستقلی از تولیدکنندگان حرفه‌ای تمام‌وقت بود، کسانی که خودشان را از تولید غذا معاف کرده بودند. وی پیشتر نیز تصور جوامع مرکب را مستلزم پیشرفت تکنولوژی و تولید مازاد غذا دانسته بود (Childe, 1936: 116)؛ لذا عنوان نمود که تخصصی شدن فن زمانی در پیش از تاریخ اتفاق افتاد که جوامع انسانی بر تکنیک‌های امرار معاش مسلط شده بودند و توانستند تولید مازاد داشته باشند. این

از دهه ۱۹۶۰ میلادی تعریف اصطلاح «تخصص‌گرایی»، خاستگاه‌های آن، و تعریف باستان‌شناختی این شکل از سازمان تولید همواره در کانون مباحث باستان‌شناسی بوده است (مثلاً بنگرید به، Rice, 1981; Feinman *et al.*, 1984; Brumfiel & Earle, 1987).

پیش از پرداختن به تعاریف ارائه شده در باره تخصص‌گرایی فن، به طرح پرسش‌هایی می‌پردازیم که از منظر روش‌شناختی و نظری بهم وابسته هستند:

- ۱) منظور از تخصص‌گرایی فن چیست؟ و از چه زمانی در جوامع گذشته پدیدار شده است؟
- ۲) چگونه می‌توان تعریفی باستان‌شناختی-روند‌گرایانه؟ سیاسی اجتماعی؟ یا اقتصادی اجتماعی؟ از تخصص‌گرایی ارائه نمود؟
- ۳) چه تجانسی بین تعاریف باستان‌شناختی و مردم‌شناختی از تخصص‌گرایی وجود دارد؟
- ۴) پیش‌شرط‌های لازم-محیطی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی-تخصص‌گرایی چیست؟
- ۵) چگونه و با چه معیارهایی می‌توان میزان و جنبه‌های گوناگون تخصص‌گرایی فن-از قبیل تخصص‌گرایی تمام‌وقت، پاره‌وقت، متخصصین وابسته، متخصصین مستقل، تولید متمرکز یا تولید نامتمرکز و موضوعاتی از این دست-را از میان مدارک باستان‌شناختی بیرون کشید؟ ماهیت این مدارک برای تشخیص جنبه‌های متعدد تخصص‌گرایی چیست؟
- ۶) چگونه می‌توان نقش و تاثیر تطور تخصص‌گرایی فن را در چارچوب کلی تطور فرهنگی یک جامعه مورد ارزیابی قرار داد؟

سؤالاتی از این دست نشان می‌دهد که تعریف تخصص‌گرایی فن و مطالعه جنبه‌های گوناگون آن از یکسو تا چه اندازه می‌تواند دشوار باشد و از سوی دیگر بررسی و مطالعه آن بر اساس مدارک باستان‌شناختی تا چه حد می‌تواند مخاطره‌آمیز و گمراه‌کننده باشد. به عبارت دیگر تعاریف باستان‌شناختی تخصص‌گرایی فن خیلی کم توسعه یافته است و واقعاً مرتبط کردن این تعاریف با معیارهای آن اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار است. بر این اساس است که پول (Pool: 1992: 277)

بخشیدند، و به عنوان یک گروه مسلط کردند، را نیز در بر می‌گرفت (Stein, 1996: 25) و بنگرید به، Brumfiel & Earle, 1987; Clarck & Parry, 1990).

برومفیل و ارله (2: 1987) عنوان نمودند که تطور طبقه بندی اجتماعی مبتنی بر کنترل اقتصادی مشخصاً ناشی از تسلط بر منابع است. از منظر بوم‌شناختی و تطوری، طبقه بندی اجتماعی و تخصص‌گرایی اقتصادی توزیع متفاوتی از منابع و مدیریت اجتماعی این منابع را منعکس می‌کند (Rice, 1981: 219). کاستین (Costin, 1996: 211) معتقد است که نخبه‌ها انواع مشخصی از تولید پیشه را که موجب بالابردن توانائی نخبه‌ها در توسعه، تحکیم و ابقای قدرتشان می‌شود، حمایت می‌کنند. نخبه‌ها به سه طریق تولید پیشه را در جوامع مرکب کنترل و حمایت می‌کنند (Costin, 1996: 211). نخست، تولید پیشه مورد حمایت نخبه موجب تولید سرمایه برای سرمایه‌گذاری سایر فعالیت‌ها می‌شود. دوماً، تولید پیشه مورد حمایت نخبه موجب افزایش کنترل اقتصادی و سیاسی از طریق انحصار‌گرایی می‌شود و نهایتاً تولید پیشه مورد حمایت نخبه، پذیرش ایجاد و تسلط نمادهایی که برای قدرت مشروع مورد استفاده قرار می‌گیرد را موجب می‌شود. اهمیت این مدل در این است که روابط بازرگانی را با روابط سیاسی اجتماعی بصورتی تفکیک‌ناپذیر پیوند می‌دهد (Pollock, 1999: 23). ارتباط میان تولید فن و شان و منزلت نخبه‌ها بیشتر بر پیوستگی و همگرایی تخصص‌گرایی، مبادله، و قدرت سیاسی حکایت دارد. این دیدگاه از اقتصاد سیاسی مستلزم آن است که ما بفهمیم تا چه اندازه نخبه‌ها یا نهاد‌های متمرکز جوامع پیچیده منابع مواد خام، کار، و خروجی متخصصین فن را کنترل می‌کردند (Stein, 1996: 25).

تخصص‌گرایی فن ناشی از فعالیتهای تکنولوژیکی است که در جوامع ساده وجود نداشتند. بلکمن و همکارانش (Blackman et al., 1993: 60) نیز تخصص‌گرایی فن را مشخصه جوامع پیچیده می‌دانند، بنابراین آن را با اقتصاد سیاسی این جوامع مرتبط می‌دانند. از این دیدگاه تخصص‌گرایی فن تلاشی برای مرتبط ساختن سازمان تولید به اقتصاد سیاسی است. تخصص‌گرایی با پیچیدگی اجتماعی پیوستگی دارد، به

مازادها برای پشتیبانی نخبه‌های اجتماعی، دیوان‌سالاران حکومتی، متخصصان حرفه‌ها، و دیگر تولیدکنندگان فاقد غذا که مشخصه جوامع مرکب است لازم بود. فرض اصلی وی این بود که تقسیم کار موجب افزایش در تراکم جمعیت شده است و این نیز موجب پیدایش شهرها به عنوان مراکز صنعتی و تجاری شده است، جمعیت این مراکز از استقرارهایی که پیشتر از آن وجود داشت متفاوت خواهد بود، زیرا این جمعیت عمدتاً ترکیبی از متخصصان است. یک چنین دست‌یابی‌های اقتصادی موجب «انقلاب شهرنشینی» می‌شود. چایلد همچنین فرض نمود که متخصصین پیشه‌ها از تولید غذا کناره‌گیری کرده‌اند و از این ذخیره عمومی غذای مازاد پشتیبانی می‌شدند (Childe, 1936: 116). دو مفهوم کلیدی در فرضیه چایلد وجود دارد. نخست، تمایز وظایف تولیدی درون اجتماع و دوم، وابستگی متقابل بین متخصصین - که از تولید غذا به ضمانت مازاد غذا صرف‌نظر کرده‌اند - و مصرف‌کنندگان - که در تولید غذا مشارکت دارند- (Fazeli Nashli, 2001: 50). مازاد محصول ممکن است بطور متقارن برای اشیاء یا خدماتی معادل یا هم‌ارزش در یک اقتصاد تهاتری یا بازاری مبادله شوند. همچنین مازاد محصول ممکن است بصورت خراج یا مالیات، یا به عنوان تعهد تولیدکننده به مشتری یا پشتیبان وی مبادله شوند؛ پشتیبان می‌تواند خواه یک فرد نخبه یا یک نهاد باشد (Stein, 1996: 25). دامنه تغییرات در بافت سازمانی (تشکیلاتی) که در داخل آن مازاد محصول تولید و مبادله شده است ما را به تشخیص اینکه متخصصین صنعتی (فن) در محیط اجتماعی کار می‌کنند که لزوماً کنترلی بر آن ندارند، رهنمون می‌سازد؛ این مهم است زیرا نشان می‌دهد که عواملی چون بهینه‌سازی و کارایی اقتصادی می‌تواند تنها یک توضیح جزئی برای خاستگاهها، عملکرد، و اهمیت توسعه تولید فن در تطور جوامع پیچیده پیش از تاریخی فراهم نماید (Stein, 1996: 25). به همین دلیل، پژوهشگران برای مطالعه تولید تخصصی فن در جوامع حکومتی اولیه به تدریج از دیدگاههای اقتصادی اولیه یا تطبیقی به سمت مدل‌های تخصص‌گرایی روی آوردند که عوامل سیاسی چون فرایندهایی که از طریق آن نخبه‌ها خودشان را پشتیبانی کردند، موقعیت و قدرت خود را مشروعیت

های تمرکزگرایی<sup>۱</sup> و جزء به جزء کردن<sup>۲</sup> است، نه صرفاً پیامد این فرایندها؛ یا به عبارت بهتر فرایندی تطبیقی از روابط متقابل اجتماعی - اقتصادی منظم برای بهره‌وری استفاده از محیط یک جامعه است. بسیاری از پرسش‌ها در این مدل قابل پیگیری نیستند: نقش متخصصین تمام وقت - پاره وقت و چگونگی تمایز باستان‌شناختی آنها؛ کنترل متمرکز است یا نامتمرکز؛ و اینکه محرک‌ها یا انگیزه‌ها برای افزایش تولید یا محصول افزونه کدام‌ها هستند (Rice, 1981: 227). بنا بر تعریف کراس (Cross, 1993: 65) تخصص‌گرایی وضعیتی است که در آن بخش نسبتاً بزرگی از کل تولید یک نوع یا قلم معین از کالاها بوسیله بخش کوچکی از جمعیت تولید می‌شوند. از نظر فرید (Fried, 1967: 191) میان افتراق اجتماعی و تفکیک دسترسی به منابع پیوستگی وجود دارد. به عبارت دیگر، تخصص‌گرایی فن موقعیتی را ایجاد می‌کند که در آن دسترسی به یک نوع معین از منابع به یک گروه یا بخش اجتماعی ویژه‌ای محدود شده است.

بنظر می‌رسد که بیشتر جوامع مرکب تقسیم‌کار، بویژه در تولید پیشه دارند. میزان تولیدات تخصصی فن، از بسیاری جهات به پیچیدگی فرهنگی ارتباط دارد. تخصصی شدن پیشه معمولاً با انتقال کالاها از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان غیر وابسته درگیر است و اگر مصرف‌کنندگان و تولیدکننده اعضای یک خانواده باشند، تولید را نمی‌توان تخصصی محسوب نمود (Clarck & Parry, 1990: 297-98). تخصص‌گرایی با تمایز اقتصادی و وابستگی افرادی که کالا یا خدماتی را برای یک جمعیت وسیع مصرف‌کننده تولید می‌کنند، درگیر است. بنابراین تخصص‌گرایی مستلزم تولید یک نوع معین از کالاهاست که به زیرمجموعه معینی از جامعه منحصر است و ضمناً مبادله با افرادی است که آن نوع گفته شده از کالا را می‌خواهند، اما خودشان آن را تولید نمی‌کنند. کاب (Cobb, 1993: 66) تخصص‌گرایی را نه تنها تولید می‌داند بلکه آن را تولید برای مبادله می‌خواند، و بطور بالقوه‌ای آن را به عنوان یک موضوع و مدخل مهم برای توجه به یک جریان چند

طوریکه از یک سو موجب انسجام اجتماعی و سیاسی می‌گردد و از سوی دیگر با افزایش تولید مازاد، موجبات رشد نابرابری‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. بسیاری از باستان‌شناسان (مثلاً، Alchian & Allen, 1969: 204; Costin, 1991: 4; Blackman *et al.*, 1993: 60) تخصص‌گرایی اقتصادی را نوعی سرمایه‌گذاری کار و سرمایه به منظور تولید کالایی خاص یا خدمتی ویژه دانسته‌اند که بر اساس آن یک فرد به تولید مقدار فراوانی از آن کالا بیش از مصرف خود می‌پردازد؛ لذا تولید تخصصی را تولید محصول افزونه برای مبادله می‌دانند، این مبادلات ممکن است در طیفی از روابط اجتماعی بصورت یک طرفه یا دوطرفه باشد. رایس (Rice, 1981: 220) تخصص‌گرایی را رفتاری منظم و تنوعی مادی در فعالیتهای تولیدی و استخراجی تعریف می‌کند، و معتقد است که تخصص‌گرایی فن یک فرایند تطبیقی است تا یک ویژگی ساختاری؛ از طریق این فرایند است که تنوع رفتاری و مادی در فعالیتهای استخراجی و تولیدی منظم و مرتب شده است، و البته این بدان معنا نیست که در جوامع ساده‌تر نظم و قاعده‌ای در تولید وجود ندارد، بلکه تنها اشاره بر این دارد که در جوامع پیچیده تنوع در روش‌های مختلف تولیدی با درجات و میزان‌های مختلفی کنترل شده است (Rice, 1981: 219). کاستین (1991: 3) نیز تخصص‌گرایی را یک سیستم تولیدی متمایز، منظم، پایدار، و احتمالاً رسمی تعریف می‌کند، که در آن تولیدکنندگان به روابط مبادلاتی فوق‌خانگی وابستگی دارند، حداقل تا اندازه‌ای برای امرار معاششان، و مصرف‌کنندگان برای کالاهایی که خودشان تولید نمی‌کنند به آنها وابسته هستند. وی تخصص‌گرایی را تدارک و تهیه منظم و مکرر برخی کالاها یا خدمات برای مبادله با برخی دیگر تعریف می‌کند (Costin, 1991: 3). بنابراین تخصصی شدن پیشه یک فرایند نظام‌مند است که پا به پای دیگر تغییرات اجتماعی، سیاسی و جمعیتی‌طور می‌یابد و عناوینی چون تطور فرهنگی - اجتماعی، تمایز، و پیچیدگی را شامل می‌شود. رایس (Rice, 1981: 227) معتقد است که تخصص‌گرایی یک بخش تطوری از فرایند

1- centralization

2- segmentation

اما می‌تواند بر کل خروجی گسترش پیدا کند، و از نظر کارآمدی و مقدار هزینه در نگهداری ابزارها و تجهیزاتی که ساعت‌های زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرند بازدهی بیشتری دارد. مهارت و آموزش نیز تخصص‌گرایی تمام‌وقت را کارا تر می‌سازد (Costin, 1991: 16).

تخصصی شدن تمام‌وقت ممکن است به این معنی باشد که افراد کالای دیگری را غیر از پیشه خود تولید نمی‌کنند، یا اینکه آنها یک پیشه ویژه‌ای را در کل ایام سال دنبال می‌کنند (Pool, 1990: 108). افراد در یک جامعه ممکن است در تولید کالاهای خاصی تخصص داشته باشند، اما پیشرفت جامعه مبتنی بر تخصص‌گرایی مستلزم این است که گروه‌های بزرگی از خانواده‌ها در یک یا چندین راهبرد تولیدی جایگزین تخصص داشته باشند، زیرا اتخاذ کشاورزی سنتی عوایدی ناکافی را فراهم می‌کند (Stark, 1991: 65).

#### متخصصین مستقل و وابسته

باستان‌شناسان بحث در باره انواع کیفی تخصص‌گرایی فن را روشی مناسب برای درک جنبه‌های دیگر آن دانسته‌اند (به عنوان نمونه بنگرید به، Brumfiel & Earle, 1987; Costin, 1991)؛ شواهد قابل دسترس نشان می‌دهد که تنوع نظام‌مندی در بافت سازمانی تولید تخصصی وجود دارد (در این زمینه بنگرید به، Stein & Blackman, 1993)؛ این تنوع ناشی از تمایز مابین متخصصین مستقل و وابسته است. تا زمانیکه هیچ ارتباط مستقیمی مابین گروه‌های اجتماعی و انواع تخصص‌گرایی ترسیم نشده است، می‌توان نظام رده‌بندی دوگانه متخصصین وابسته - که تحت پشتیبانی و کنترل نخه‌ها هستند - و متخصصین مستقل - که خواسته‌های کلی جامعه را در تولید کالاهای خود در نظر می‌گیرند - را مورد استفاده قرار داد. در جمعیت‌های بزرگ نوع تقاضا دو نوع از کالاهای ویژه و معمولی را پوشش می‌دهد و بنابراین صنایع ممکن است بوسیله متخصصین مستقل یا وابسته تولید شوند (Stein, 1996: 25). متخصصین «مستقل» بطور خودگردان عمل می‌کنند، کالاهای خدمات را در واکنش به تقاضاهای اقتصادی، اجتماعی، یا سیاسی از منابع متنوعی تولید می‌کنند. سازمان تولیدی و راهبرد

کمیتی در اقتصاد سیاسی بکار می‌برد. بنا بر عقیده کراس (1993: 65) انواع فراوانی از فرهنگ مادی ممکن است بوسیله متخصصین تولید شده باشند، که در برگیرنده اقلامی است که مستلزم امکانات تولید ماهرانه، دسترسی به مواد خام، دانش پیچیده فرایند تولید، سرمایه‌گذاری بالای زمان و تلاش، یا آمادگی غیر مادی برای عهده‌دار شدن تولید است. اخیراً نیز عده‌ای از محققان معتقدند که اصطلاح تخصص‌گرایی را بهتر است تنها برای توصیف نحوه تقسیم کار به کار ببریم، نه برای توضیح سازمان‌های پیشه‌وری (مثلاً بنگرید به، Smith, 2004).

#### متخصصین پاره‌وقت و تمام‌وقت

متخصصین اغلب به صورت پاره‌وقت یا تمام‌وقت معرفی می‌شوند (شکل ۲). تمایز مابین تخصص‌گرایی تمام‌وقت و پاره‌وقت رایج‌ترین روش برای تشخیص، طبقه‌بندی، و تحلیل تخصص‌گرایی پیشه‌در پیش از تاریخ است. تولیدکنندگان پاره‌وقت معمولاً کالاهای را در یک سیکل فصلی یا دو بار در سال می‌سازند، و تولید محصول را به عنوان یک منبع درآمد مهم به حساب نمی‌آورند (Arnold, 1991: 95). متخصصین تمام‌وقت کسانی هستند که از حرفه‌های تولید غذا دور شده‌اند و باید نیازهای معیشتی خود را از طریق مبادله محصولات یا خدماتشان با دیگران رفع کنند (Evans, 1978). متخصصین تمام‌وقت آنهایی هستند که تولید برایشان مکملی برای سایر حرفه‌های معیشتی است (Clark & Parry, 1990: 298). روابط اجتماعی که متخصصین تمام‌وقت را پشتیبانی می‌کند ماهیتاً اغلب میان فردی<sup>۱</sup> است تا نهادی.

کاستین (1991: 16) به سه فاکتور اقتصادی - دارائی، ریسک، و زمان‌بندی (برنامه‌زمانی) - اشاره می‌کند، که تعیین می‌کنند آیا تولید میان متخصصین مستقل پاره‌وقت است یا تمام‌وقت. برخی از فاکتورها می‌توانند تولید تمام‌وقت را کارا تر از تولید پاره‌وقت کنند. نخست توانایی تولید مداوم است، ضرورتاً یک خط تولید انبوه، حتی اگر همان افراد همه امور را بانجام برسانند. فاکتور بعدی در این زمینه که بازدهی را افزایش می‌دهد سرمایه‌گذاری ثابت در تکنولوژی است. جایی که هزینه اولیه بالاست،

1- interpersonal

نشان دادن موقعیت آنها بکار برده می شود چشمگیر است: به عنوان مثال، در چین زیور آلات برنزی و یشم های خیلی خوب کار شده، ابتدا با ظهور فرهنگ های لانگ-شن ساخته شدند (Chang, 1986: 363-4). در مصر دوره جریان، نه تنها پیدایش نهاد های اقتصادی و اجتماعی پیچیده دیده شد، همچنین متخصصین حرفه ای زیور آلاتی از جنس طلا، نقره، سنگ لاجورد و مس قالبی تولید کردند (Trigger, 1983: 4-32)؛ در پرو نیز با ظهور آیین و مکتب چاوین<sup>۲</sup> شاهد آغاز تخصص گرایی فن در تولید زیور آلات شخصی پیشرفته از فلزات گرانبها و سنگ های نیمه قیمتی هستیم (Lumbreras, 1974: 79-80). از این دیدگاه نخبه ها فعالانه صنعتگران و محصولاتشان را برای پیشبرد برنامه های سیاسی خود بکار می گیرند؛ و در بسیاری حالت ها، بویژه آنجایی که زیور آلات شخصی بطور وسیعی به عنوان سمبل های مقام و قدرت بکار برده شده اند، متخصصین صنعتی به همان اندازه پرسنل سیاسی عمل می کنند (Peregrine, 1991: 1). بنابراین ارتباط مابین ظهور نخبه های قدرتمند و پیشرفت در تخصص گرایی فن با افزایش قابل توجهی در مقدار کاری که صرف ساخت زیور آلات شخصی می شود پیوستگی دارد؛ نخبه ها اغلب افزایش در کار و پیشرفتهای تکنولوژیکی مورد نیاز برای تولید زیور آلات معین را بخاطر کنترل آسانتر دسترسی به آنها حمایت می کنند. نیاز به کنترل این اقلام با راهبرد سیاسی ارتباط دارد که بر اساس آن آنها می توانند از قدرت سیاسی قانونی استفاده کنند. لذا ارتباط میان تخصص گرایی فن و تمرکز سیاسی در جوامع پیچیده خان سالار با استراتژی سیاسی مرتبط است که در آن بطور فزاینده ای نخبه های قدرتمند صنعتگران متخصص را برای تولید زیور آلات شخصی بی نظیر که نخبه ها استفاده می کنند، بکار می گیرند (Peregrine, 1991: 8)؛ در واقع، برای افزایش تفاوت و تمایز خودشان از بقیه جامعه. تخصص گرایی فن، از این دیدگاه، بیشتر یک فعالیت سیاسی است تا یک فعالیت اقتصادی یا صنعتی.

بنابراین متخصصین وابسته معمولاً کالاهای گرانبها و شانزا

های تصمیم گیری تولید کنندگان مستقل به همنوایی با کارایی مرتبط با انتظارات رفتاری مدل‌های اقتصادی تخصص گرایی فن متمایل است. در مقابل، متخصصین «وابسته» بطور نزدیکی با نخبه ها یا نهادهای متمرکز مرتبط هستند. گروه دوم برای متخصصین وابسته مواد خام، امکانات و وسایل کار، یا پشتیبانی معیشتی را، برای کنترل انحصاری بر کالاها یا خدمات تولید شده، فراهم می کنند. به همین دلیل، ساختار سازمان تولیدی متخصصین وابسته به عوامل سیاسی - ارزش و بهاء، اهداف، نیازها - و راهبردهای تصمیم گیری یک گروه بسیار محدود و کوچک حامیان<sup>۱</sup> متمایل است، تا به اثرات مترام تقاضای توزیع گسترده چند مرکزی و در مقیاس زیاد (Stein, 1996: 25).

تمایز مابین متخصصین مستقل و وابسته را نباید به صورت یک دوگانگی مطلق در نظر گرفت، بلکه بیشتر مشخصه یا ویژگی دو سرانجام متفاوت از یک زنجیره پیوسته تغییر پذیری در میزان کنترل نخبه بر تولید حرفه است. همچنین باید اشاره شود که اصطلاحات یا القاب «مستقل» و «وابسته» تنها به بافت سازمانی که متخصصین در آن کار می کنند رجوع می کند؛ این اصطلاحات هیچ دلالت یا نشانه ای در باره موقعیت اجتماعی تولید کنندگان فن مورد بحث ارائه نمی کند (Stein, 1996: 25). اگر چه متخصصین وابسته اغلب ممکن است از نظر اجتماعی افراد مادون و فرمانبرداری باشند، اما لزومی ندارد که همیشه در این وضعیت باشند.

تفاوت های کیفی بین ماهیت یا هدف از کالاهای تولید شده توسط متخصصین وابسته در مقابل متخصصین مستقل وجود دارد (Costin, 1991). برخی از باستان شناسان معتقدند که بین پیشرفت در تخصص گرایی فن و رشد نخبه های قدرتمند ارتباطی واضح وجود دارد (مثلاً بنگرید به، Peregrine, 1991: 8). آنچنانکه سرویس (1962: 148) عنوان نمود، یکی از برجسته ترین چیزها در باره تطور فرهنگ بهبود سریع در تولیدات تخصصی و تخصص گرایی فن در هنگام پیدایش خان سالارها است؛ پرگرین (1991: 1) معتقد است، این بهبود سریع در مهارت، اغلب در تزیینات شخصی که بوسیله نخبه ها برای

وجود دارد. یا خود تولید کننده حق انتقال مالکیت بر تولید خودش را دارد یا شخص دیگری چنین حقی دارد. زمانیکه یک صنعتگر حق انتقال مالکیت را از دست نداده است، تولید تخصصی تخصص‌گرایی مستقل است. اگر یک حامی (سرپرست یا ضامن) بیرونی بر کالاهای تمام شده کنترل دارد، این تولید تخصص‌گرایی وابسته است. بطور مهمی، حامی حقوق واگذاری و اختیار آن، یا حقوق بر تولید بعلاوه کار تخصصی و وفاداری صنعتگر را حفظ کرده است.

### سازمان تولید

باستان‌شناسان تا این اواخر توجه کمتری به سازمان تولید، و شیوه‌های مختلف تولیدی در قیاس با توزیع درون و برون منطقه ای داشتند (

بنگرید به، Morris, 1974; Arnold, 1975; Van der Leeuw, 1976; Rice, 1976). با اینکه روش‌های تجزیه شیمیائی و فیزیکی مورد استفاده برای تشخیص منابع مواد خام می‌تواند مبنایی برای مطالعه ساخت و تولید اشیاء باستان‌شناختی فراهم نماید، آنها بطور عمده‌ای برای مطالعه بازرگانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ اما اکنون مطالعه سازمان تولید اهمیت زیادی در پژوهش‌های باستان‌شناختی پیدا کرده است. با توجه باینکه تشخیص سازمان تولید یکی از عناصر مهم در مطالعه تطور جوامع پیچیده است، لذا باستان‌شناسان مدل‌های مختلفی در باره توصیف سازمان تولید ارائه نموده‌اند (مثلاً بنگرید به، Peacock, 1981; 1982; Van der Leeuw, 1977; 1984; Stark, 1995; Costin & Hagstrum, 1995; Arnold, 1991; Underhill, 1991; Clark, 1995). سازمان تولید نه تنها با سازمان اقتصادی یک جامعه ارتباط دارد بلکه پیوند‌های تفکیک‌ناپذیری نیز با سازمان اجتماعی و سیاسی آن جامعه دارد. به عبارت دیگر هرچه سطح فرهنگی و اجتماعی یک جامعه پیچیده‌تر باشد به همان اندازه سازمان تولید آن جامعه متفاوت‌تر و از پیچیدگی بیشتری برخوردار خواهد بود (در این زمینه بنگرید به، Shanks & Tilly, 1987; Cobb, 1996; Brumfiel & Earle, 1987; Helms, 1993).

را که توزیعشان توسط نخه‌ها به دقت کنترل می‌شود، تولید می‌کنند، زیرا این محصولات به عنوان «کالاهای از نظر سیاسی مورد حمایت» (Brumfiel & Earle, 1987: 5) دارای اهمیت فراوانی برای حکومت هستند و در ارتباط با مالیات، جنگ، مراسم مذهبی، عمومی، و مشروعیت قدرت متمرکز مورد توجه حکومت هستند (همچنین بنگرید به، Peregrine, 1993; Helms, 1993). در تقابل با آن، متخصصین حرفه‌ای مستقل معمولاً دسته وسیعی از کالاهای مصرفی و سودمند در توزیع را تولید می‌کنند (Costin, 1991; Stein & Blackman, 1993). با در نظر گرفتن این ارتباط نظام‌مند مابین کارکرد/هدف<sup>۱</sup> یک محصول و سازمان تولیدکنندگان آن، اولین انتظار یافتن ترکیبی از متخصصین حرفه‌ای وابسته و مستقل اگر نه در تمام بلکه در بیشتر جوامع پیچیده است. اگر تناسب نسبی این ترکیب هم به عوامل اقتصادی و هم به پویایی‌های فرهنگی مرتبط باشد، پس ما می‌توانیم انتظار دیدن تغییرات در زمانی در ماهیت و میزان کنترل بوسیله افراد ممتاز (نخه) یا نهادها بر متخصصین و محصولاتشان به عنوان پیشرفت یا نزول حکومت (واحد سیاسی) داشته باشیم (Postgate, 1992: 229).

با ترسیم تنوع بافتی و تغییر در زمانی در کالاهای تولید شده بوسیله متخصصین وابسته در برابر متخصصین مستقل، ما باید قادر به تشخیص محصولاتی که برای تداوم نهادهای ممتاز متمرکز در حکومت‌های اولیه مهم‌تر هستند باشیم. مقایسه الگوهای سازمان‌دهی و گردش<sup>۲</sup> برای کالاهای و خدمات متفاوت می‌تواند هم دشواری‌های (گره‌های) قدرت متمرکز و هم بخش‌های نسبتاً مستقل جامعه را آشکار نماید (Stein, 1996: 26).

یکی از پرسش‌های مطرح در این زمینه، مالکیت بر کالاهای تولید شده توسط متخصصین است، به عبارت دیگر آیا متخصصینی که کالاها را تولید کرده‌اند مالک و صاحب آنها هستند، یا فرد یا نهادی دیگر بر آنها مالکیت دارد؟ کلارک و پری (1991: 298) می‌گویند دو پاسخ ممکن به این سؤال

1- function/purpose

2- Circulation



هستند ( Brumfiel & Earle, 1987: 5; Earle, 1987: 73)، که از نظر فضایی و اقتصادی به نهادهایی که تولید را کنترل می‌کنند وابسته هستند. در تولید مدیریت شده تمرکز بر تولید انواع معینی از کالاها شده است، کالاهایی که از نظر مالکیت و کسب سود، گستره و کیفیت ساخت، برای بیان موقعیت و تسلط سیاسی نخبه‌ها بکار رفته است. این «کالاهای ثروت زا یا شان‌زا» (Brumfiel & Earle, 1987: 4) ممکن است هم کمیاب باشند و هم کالاهایی گرانبها که موقعیت اجتماعی فرد یا افراد را می‌رسانند، یا کالاهای معمولی‌تر که به کسب ثروت و قدرت از طریق بازرگانی دوربرد منجر می‌شوند، یا به عنوان پیشکشی شاهانه هستند (Sinopoli, 1988: 581-82).

تولید مدیریت شده با تفکیک فضایی کارگاهها و ارتباطشان با امکانات یا ساختارهای اداری مشخص می‌شود. وجود نماد های مادی و مدارک مربوط به توانایی سازمان دهی، شامل اشیاء مرتبط با نگهداری سوابق و پردازش اطلاعات؛ و شبکه های توزیع منظم و مشخص برای تولید کالاها نشان دهنده تولید مدیریت شده هستند (همچنین بنگرید به تعریف توزی از تولید متمرکز (Tosi, 1984)).

### تولید متمرکز

تولید متمرکز به تولید انبوه و از نظر فضایی منفک شده بوسیله متخصصین اطلاق می‌شود، در چنین سیستم تولیدی التزام مستقیمی با لوازم اداری حکومت وجود ندارد. اوضاع و شرایط بازار، فرایندهای عرضه و تقاضا، و سنت نقش اصلی را در تنظیم سازمان کارگاه، فرایند تولید، شکل تولید، و توزیع ایفا می‌کند. درگیری و تاثیر قدرت اداری در تولید متمرکز ممکن است اشکال متعددی داشته باشد. وضع مالیات بر کارگاهها، بازارها، بازرگانی، و تولیدات ممکن است بر اندازه و موقعیت کارگاهها، محدودیت کارایی کارگاههای کوچک، مثلاً، تولید سود مناسب برای ابقا تاثیر گذارد. به عبارت دیگر وضع مالیات بر کارگاهها، بازدهی کارگاههای کوچک را محدود می‌کند، زیرا بقای آنها به تولید سود کافی بستگی دارد؛ ضمناً حکومت ممکن است یک نقش حکومتی برای حل منازعات درونی

چندین نوع دسته بندی برای سازمان تولید در جوامع پیش از تاریخی ارائه شده است (مثلاً بنگرید به، Balfet, 1965: 162; Peacock, 1981: 190-91; 1982: 8-10; Rice, 1987: 184; Van der Leeuw, 1977; 1984; Sinopoli, 1988)؛ در همه این تقسیم بندی ها باید به این مسأله توجه داشت که این شیوه ها بیشتر فرایندهایی تطوری هستند. اما در تشخیص شیوه های تولید از بقایای باستان شناختی چندین مشکل وجود دارد؛ بزرگترین مشکل این است که آزمون های معدودی بر اساس داده های قوم نگاری توسعه یافته است، و قاعده مند کردن تجانس مابین داده های پیش از تاریخی و شواهد قوم نگاری مشکل است (Rice, 1987: 204). تشخیص روش های تولید در جوامع حکومتی ممکن است موفقیت آمیز باشد، زیرا اغلب بیش از یک منبع از داده ها قابل دسترس است، مانند شواهد مستقیم کارگاهها، ظروفی که دارای استاندارد ساخت بالایی هستند، و مدارک تاریخی که سازمان کار را توصیف می کنند (بنگرید به، Davis & Lewis, 1985; Sinopoli, 1988)؛ این در حالیست که تشخیص روش تولید در جوامع کمتر پیچیده مانند خان سالارها اغلب مشکل تر است. کارلا سینوپولی (1988: 581-82) شیوه های سازمان تولید تخصصی را در امتداد تسلسلی از سازمان سیاسی و مکان پراکنش، متمایز ساخته است؛ وی معتقد است که در جوامع پیچیده، که همه کالاها یا بیشتر آنها توسط متخصصین تولید می شوند، امکان اینکه شماری از روش های سازمان دهی تولید را متمایز کنیم برای ما وجود دارد. این روش ها را میتوان تولید اداری یا مدیریت شده<sup>۱</sup>، تولید متمرکز<sup>۲</sup>، و تولید غیر متمرکز<sup>۳</sup> نامید (Sinopoli, 1988: 581-82).

### تولید اداری یا مدیریت شده

منظور از تولید مدیریت شده تولیدی است که مستقیماً توسط برخی از گروههای غیر تولید کننده قدرتمند یا بنگاهها و نهادهایی که تحت کنترل نخبه های سیاسی یا مذهبی هستند، تنظیم می شود. تولید کنندگان حرفه ها متخصصین وابسته

1- administrated production  
2- centralized production  
3- noncentralized production

منازعات در این نظام تولیدی درگیر شود (بنگرید به، Benco, 1988). کارگاههای غیر متمرکز، کوچک و همه جا گستر هستند، و تمایل به تولید دسته‌وسیعی از محصولات مادی برای برطرف کردن نیازهای مصرف‌کنندگان نزدیک دارند. زمانی که محصولات چنین کارگاههایی در یک منطقه یا در یک محوطه شهری بزرگ دیده می‌شود، گوناگونی قابل ملاحظه‌ای در کل صنایع، در سفال، فلز، یا سنگ، باید مورد انتظار باشد، و این نتیجه تغییر پذیری مابین هر یک از کارگاههای انفرادی در روش و مواد است (Sinopoli, 1988: 582). سه شیوه سازمان‌یافتگی تولید تخصصی که در بالا توصیف شد، در نتیجه مراحل پی‌در پی و زنجیره‌وار مقیاس تولید و درگیری اداری در فرایند تولید پدید آمده‌اند. هر کدام از آنها پیامدهای مادی دارد که می‌تواند در مدارک باستان‌شناختی - در مکان، مقیاس، و پیچیدگی تکنولوژیکی مراکز تولیدی، و در فرم‌ها و دسته‌ای از تفاوت‌های مشهود در محصولاتشان - دیده شود.

کاستین (1991) معتقد است که واحدهای تولیدی در اندازه بزرگ می‌شوند و نیروی تازه‌ای برای کار جدید نخست در میان اقوام دور و سازگار بکار می‌گیرند. با رشد بیشتر این واحدها، افراد غیر وابسته (غیر سببی) نیز به نیروی کار اضافه می‌شوند. بازدهی نسبی کارگاه خود تابعی از تکنولوژی استفاده شده و سطح خروجی کارگاه است. اگر هزینه‌های هر واحد از طریق اشتراک در تکنولوژی وسیع یا با تقسیم وظایف در میان کارگران فراوانی که به صورت تخصصی در کارگاهها کار می‌کنند پایین آورده شود، آنگاه اندازه کارگاه با بهره‌برداری از این اقتصاد متناسب بزرگ خواهد شد. به عنوان نمونه در تولید بزرگ مقیاس (انبوه) سفالگر مقدار زیادی انرژی، سرمایه یا مواد را برای تولید سفال صرف می‌کند. به عبارت دیگر در تولید انبوه تعدادی پرسنل از طریق انعقاد پیمان‌نامه و دادن دستمزد و یا بصورت کار اجباری (بندگی یا بردگی) یا التزام مالیاتی به کار گرفته می‌شوند (Costin & Hagstrum, 1995: 220). جوامع پیچیده با تراکم جمعیتی بالا احتمالاً تریبات و تنظیمات تخصصی و پیچیده‌ای برای تولید تنوعی از

جامعه تولیدکننده فن‌ایفا نماید (Sinopoli, 1988: 581). کالاهای مورد استفاده روزمره و محصولات ضروری که بصورت خانگی تولید شده‌اند ممکن است در قلمرو تولید متمرکز یا غیر متمرکز و در قالب سیاست‌های کلان همچنان تداوم یابند یا تنزل پیدا کنند.

تعیین تفاوت‌های مادی مابین تولید به روش متمرکز و تولید مدیریت شده ممکن است مشکل باشد. تولید انبوه در تعداد کمی از مکان‌ها (شاید در بافت‌های شهری، اما نه در قصرها یا معابد)، مستقیماً با مکان‌اداری متصل نیست، اما شبکه‌های توزیع گسترده و تجمعی از مهرها و مصنوعات اداری همگی نمایان‌کننده تولید متمرکز خواهند بود. رقابت مابین تولیدکنندگان بیشتر مشخصه نظام‌های تولیدی متمرکز است، که در آن موفقیت یک مرکز تولیدی به توانائیش در تولید و توزیع مقادیر زیادی کالا بستگی دارد (Sinopoli, 1988: 581). فین من، کوالسکی و بلانتن (Feinman et al., 1984) معتقدند که افزایش جزئیات در پیچیدگی مادی تحت شرایط رقابتی رخ خواهد داد، بطوریکه تولیدکنندگان تلاش می‌کنند کالاهایشان را جذابتر از رقبایشان برای مصرف‌کنندگان بسازند. البته تشخیص جذابیت از میان مدارک تاریخی و باستان‌شناختی مشکل است، در برخی بافت‌ها، جزئیات کاهش یافته همراه با کاهش هزینه، ممکن است منجر به تولید محصولی جذاب‌تر شود. عوامل بيشماري، شامل وضعیت و ارزش کالا در روابط اجتماعی، همچنین برای تشخیص عوامل متضمن تغییر فرهنگ مادی باید مورد توجه قرار گیرد.

### تولید غیر متمرکز

تولید غیر متمرکز به تولید تخصصی منتسب است که در یک مقیاس کوچک‌تر و در مکان‌های پراکنده تر اتفاق می‌افتد، تا در موقعیت متمرکز یا اداره شونده. اشیاء بوسیله متخصصین که بطور تمام وقت یا پاره وقت در حرفه‌هایشان کار می‌کنند، تولید می‌شوند، اما کارگاهها کوچک هستند، و خروجی‌ها نسبتاً کم‌تر از بافت‌های متمرکز است. خانواده‌های هسته‌ای یا بزرگ گروه‌های نوعی تولیدکننده در این بافت‌ها هستند. مانند تولید متمرکز، حکومت ممکن است با وضع مالیات یا داوری

12-211) ذکر می‌کند که حامیان نخبه برای ایجاد توازن باید به سه چیز در سازمان تولید توجه کنند: نظارت، انعطاف پذیری و هزینه. نظارت در نظام تولیدی به دلایل فراوانی مطلوب یا لازم است، به عنوان نمونه دسترسی محدود به مواد خام فی‌نفسه ارزشمند، به حفظ کیفیت یا دستیابی به همگونی سبکی و تکنولوژیکی در تولیدات کمک می‌کند، به این طریق سطح خروجی انواع معینی از کالاها و مقدار توزیع کالاهای تمام شده به گروهها یا افراد مورد نظر کنترل می‌شود. انعطاف پذیری موجب توانائی در افزایش یا کاهش سریع خروجی در واکنش به تقاضای افراد خاص یا رسمی می‌شود. اغلب مطرح شده است که هزینه نسبی در تولید وابسته نسبت به تولید مستقل اهمیت کمتری دارد (Fazeli Nashli, 2001: 58-9).

#### مقیاس تولید

مقیاس تولید به سطوح کار، منابع مورد استفاده و مقدار خروجی معطوف است. و همه اینها به طور وسیعی به سطح عمومی پیچیدگی اجتماعی یک جامعه ارتباط دارد (Rice, 1987: 180). به عنوان نمونه جوامع بزرگ و پیچیده با تراکم جمعیتی بالا به همان نسبت که دارای سازماندهی و تخصص‌گرایی در تولید تنوعی از محصولات کشاورزی و غیر کشاورزی هستند، برای توزیع و پخش آنها نیز دارای سازمان‌دهی هستند. میزان بالای جمعیت موجب می‌گردد تا نرخ نسبتاً ثابتی از تدارک کالا بطور مداوم در تنوعی از کارکرد های تخصصی بکار گرفته شود. بنابراین مقیاس تولید که وابستگی زیادی به مقدار تقاضا در سطح جامعه دارد، از یک طرف با نظام تولیدی (انرژی، یا کار، سرمایه، مواد) آن جامعه ارتباط دارد و از سوی دیگر با میزان خروجی آن نظام تولیدی (Pool, 1992: 279)؛ یا به عبارت بهتر به سطح ورودیها و خروجی های یک نظام تولیدی. در روستاهای کوچک که درگیر در یک اقتصاد منطقه ای وسیع نشده‌اند، تولید حرفه ممکن است ضرورتاً برای مصارف خودشان باشد، یا برای مبادله و مصرف خانگی نامنظم (Rice, 1987: 180). در این حالت تولید ممکن است به طور فصلی و بصورت انفرادی، پاره وقت و گاه و بیگاه انجام شود و فاقد عمومیت باشد. تولید خانگی رابطه نزدیکی بین تقاضای

محصولات کشاورزی و غیر کشاورزی و به همان نحو برای توزیع آنها دارند (Rice, 1987: 180)؛ میزان جمعیت ایجاب می‌کند نرخ ثابتی از کالاهای خاص که دارای کارکرد های متنوعی در جامعه هستند تولید شود (Rice, 1987: 180).

کاستین (2: 1991) همچنین بعضی از این موضوعات را در یک طبقه بندی وسیع از اقلام تولیدی مورد بحث قرار می‌دهد و اشاره می‌کند که سازمان تولید می‌تواند با درک توزیع مواد خام، ماهیت تکنولوژی، مهارت و آموزش مشخص شود. او همچنین ذکر می‌کند که تولید و تخصص‌گرایی یکی نیستند. استنتاج وی از چنین پارامترهایی این است که تولید، تغییر شکل مواد خام/ و یا ترکیب آنها در اشیاء قابل استفاده است؛ تخصص‌گرایی شیوه ای است برای سازمان دهی این تولید، و ویژگی‌هایی که آن را از تولید غیر تخصصی متمایز می‌کند مقدار زمانی است که صرف کار می‌شود و متخصص بخاطر درگیر بودن در کار از تلاش برای بدست آوردن غذا فراغت می‌یابد (Costin, 1991: 3). او چهار پارامتر را که میتوان برای توصیف سازمان تولید بکار برد تعیین کرده است: بافت<sup>۱</sup>، تمرکز<sup>۲</sup>، تشکیلات<sup>۳</sup> و فشردگی<sup>۴</sup>. وی این پارامترها را جنبه‌هایی از تخصص‌گرایی می‌داند؛ بافت تولید (وابسته یا مستقل)، اجازه تمرکز بر توضیحات اقتصادی یا سیاسی را برای آشکار ساختن تخصص‌گرایی در حالتی ویژه می‌دهد. ضمناً بافت وابستگی اجتماعی تولید کنندگان را توصیف می‌کند. تمرکز تولید، روابط سیاسی مابین تولید کنندگان و مصرف کنندگان و موقعیت و تعداد کارگاههای تولیدی را توصیف می‌کند. تشکیلات تولید، اندازه گروه و روابط اجتماعی افرادی را که بطور منظم در تولید مجموعه ای مشخص از کالاها شرکت دارند توصیف می‌کند، و فشردگی تولید، مقدار نسبی زمانی را که تولید کنندگان انفرادی به تولید فن اختصاص می‌دهند نسبت به سایر وظایف اقتصادی شرح می‌دهد. وی بعدها این چهار پارامتر را بخشهایی از سیستم پیشه‌وری می‌خواند، نه تخصص‌گرایی (Costin, 2001). کاستین (Costin, 1996: 279)؛

- 1- context
- 2- concentration
- 3- constitution
- 4- intensity

وجود دارد (Rice, 1987: 181). عدم وجود وسایل و تسهیلات پایدار در نهاد های تولیدی می‌سازد کوچک شواهد باستان‌شناختی محدودی در باره محل این فعالیتها و بقایای یک چنین فعالیت‌های تولیدی بجا می‌گذارد، به عبارت دیگر در تولید خانگی ساده بدلیل خروجی کم، سازمان دهی بدون قاعده، و عدم وجود فضای کار و ابزار تخصصی نمی‌توان جزئیات آنرا بصورت کمی در کاوش‌های باستان‌شناختی مشخص ساخت (Rice, 1987: 181).

### استانداردسازی

تعدادی از پژوهشگران فرض نموده اند که تولید کالاها در مقادیر انبوه بوسیله متخصصان را می‌توان با درجه بالای استانداردسازی آنها در مدارک باستان‌شناختی تشخیص داد (مثلاً بنگرید به، Balfet; 1965: 163; Feinman et al., 1984: 299; Rice, 1981: 220-21; Sinopoli, 1988: 586). بلکن و همکارانش (1993: 61) نیز معتقدند می‌توان با زیاد تولید تخصصی را در مدارک باستان‌شناسی می‌توان با بررسی و مطالعه الف) امکانات و تجهیزات تولید و ساخت، مانند کارگاهها؛ ب) الگوهای مبادله؛ و ج) با افزایش استانداردسازی در ویژگی های فیزیکی و سبکی کالاهای تولید شده بوسیله متخصصان، آشکار ساخت.

پیامدهای اولیه استانداردسازی افزایش بازدهی در تولید و افزایش خروجی یک محصول استاندارد است. بنابراین، تخصصی شدن پیشه به عنوان یک رفتار اقتصادی نمایان کننده تکنیک‌های کار، تولیدات استاندارد، و افزایش خروجی است (Clark & Parry, 1990: 293). رایس (1991: 268) «استانداردسازی» را به عنوان درجه نسبی همگونی یا کاهش در تغییرپذیری در ویژگی‌های یک کالا یا فرایندی که به همگونی نسبی منجر می‌شود، تعریف کرده است. کاستین (Costin, 1991: 35) نیز معتقد است استانداردسازی یک مفهوم نسبی است که تنها می‌توان از طریق مقایسه دو یا چند مجموعه از مصنوعات با درجات متفاوتی از همگونی معین بشود. فرض بالا بر این اساس است که درجه بالای استانداردسازی یا همگونی در اندازه‌های ظروف، تولید انبوه و تخصصی را منعکس میکند،

مصرف کننده و خروجی تولید کننده دارد. گاهی اوقات ممکن است تولید کننده و مصرف کننده یک نفر باشند. احتمالاً بخاطر پایین بودن تقاضا، میزان و نرخ تولید مطابق با اوضاع مالی خانواده‌ها تغییر می‌کند؛ در هر حال، تولید خانگی، خروجی پائینی دارد، فاقد سازماندهی قاعده مند است، و از ابزارهای تخصصی و فضای کارگاهی بهره نمی‌برد (Rice, 1987: 180)؛ حال آنکه در جوامع پیچیده تر بنا بر تقاضاهای موجود در جامعه (اعم از تقاضای مردم یا نخبه‌های سیاسی و اقتصادی)، و با توجه به تعداد نهادهای تولیدی گوناگون (خانگی، کارگاههای انفرادی، یا کارگاههای متمرکز)، مقیاس تولید متفاوت است. در چنین جوامعی تولید در کارگاههای صنعتی دارای سازمان دهی است و بصورت تمام وقت بانجام می‌رسد؛ این سازمان دهی در تمام مراحل تولید، اعم از سرمایه، دسترسی به منابع مواد خام، فن آوری ساخت، تخصصی شدن ابزارها و وظایف کارکنان و همینطور نظام توزیع کالا وجود دارد، و مقیاس تولید با تمام این مراحل ارتباط مستقیمی دارد (Pool, 1992: 279). به هر حال در یک جامعه بزرگ، با تراکم زیاد جمعیت مصرف کننده، و نرخ نسبتاً ثابت تقاضا، تنوعی از کالاها تولید می‌شود؛ و تمایز بین آنچه که تقاضای عام و تقاضای خاص نامیده می‌شود، یا بین تولید کنندگان وابسته و مستقل اهمیت دارد (Earle, 1981: 230)، زیرا این می‌تواند بر مقدار و ویژگی خروجی تأثیری مستقیم داشته باشد. بنابراین مقیاس یا سطح تولید کالا یک جنبه مهم از ساختار تولید است، و عواملی چون تقاضا برای تولید، تراکم و پیچیدگی موقعیتهای اجتماعی جمعیت مصرف کننده، که بازار کالاها را شکل می‌دهند، تنها از طریق استنتاج باستان‌شناختی قابل فهم هستند. هرچند ملاحظات کمی و تجربی زیادی می‌توان برای مقیاس تولید بکار برد، اما در بسیاری از دوره‌ها و مکان‌ها تمامی این داده‌ها قابل دسترس نیستند؛ و پرسش‌های انتقادی فراوانی در باره تعداد فضاهای تولیدی (از قبیل کارگاهها)، میزان تمرکزگرایی آنها، اندازه آنها (وسعت فضا، تعداد کارگرانی که احتمالاً بکار اشتغال داشته‌اند، و نرخ خروجی)، و نوع، مقدار، و اندازه امکانات و تسهیلات مورد استفاده در فضای کار (کوره‌ها، فضای خشک کردن و غیره)

تعریف و تشخیص اینکه چه محصولاتی استاندارد است ممکن است بطور قابل ملاحظه ای تغییر کند، و ره آورد آن مشکل روش شناختی برای تحلیل های باستان شناختی است (Sinopoli, 1988: 582).

### سبک و تنوع سبکی

مفهوم باستان شناختی سبک و تنوع سبکی به عنوان اساسی برای طبقه بندی مصنوعات مطابق با خاستگاه زمانی و مکانی آنها حداقل به دهه دوم قرن نوزدهم بر می گردد. دانشمند دانمارکی کریستین تامسن در تلاشی اولیه برای ایجاد یک رویه نظام مند برای تاریخ گذاری نسبی مواد باستان شناختی، از فاکتور های سبکی نظیر ویژگیهای طرح های تزئینی، به عنوان یکی از ضوابط طبقه بندی اشیاء در مجموعه های موزه، استفاده نمود (Trigger, 1989: 76). در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سبک یکی از چندین عامل اصلی شد که در توسعه گونه شناسی و گاه نگاری برای طبقه بندی اشیاء از گونه های مختلف شرکت داشت. هرچند، با پیدایش باستان شناسی روند گرا در دهه ۱۹۶۰ بود که تنوع سبکی در اشیاء مورد استفاده قرار گرفت، تا بوسیله آن در باره جنبه های گوناگون سازمان اجتماعی پیش از تاریخ استنباطها و استنتاجهایی صورت گیرد. فعالیتهای پژوهشی بوسیله جیمز دیتز (1965)، جیمز ن. هیل (1970)، و ویلیام لانگسر (1970) در باره سبک، اعتبار تغییر سبکی را به عنوان شاخصی از تغییر زمانی در اعمال اجتماعی طرح نمود. علیرغم بحثها و انتقادات موجود در باره این مطالعات، سبک به عنوان یک عامل مهم در تحلیل بقایای باستان شناختی بکار می رود و باستان شناسان با سنجش تشابهات و تفاوتها در نمود های سبکی مواد فرهنگی، از قبیل طرح های تزئینی، تلاش می کنند تا استنباطهایی در باره پویایی های رفتاری جوامع گذشته داشته باشند. سنجش و اندازه گیری نمود های سبکی روشی است برای تشخیص و تعیین درجه و شدت برهمکنش مابین جوامع مختلفی که این طرحهای مشابه یا دیگر عناصر تزئینی را در اقلام تولیدیشان مورد استفاده قرار می دهند (Plog, 1978). از دهه ۱۹۶۰ میلادی، سبک و تعریف آن بطور فزاینده ای در تحلیلهای و تفسیرهای باستان شناختی

حال آنکه تغییرپذیری یا عدم همگونی نسبی نشان دهنده تولید خانگی است. ایده آل این است که درجه استانداردسازی را باید با مقایسه تولیدات یک جامعه با سنت های فرهنگی همان جامعه بدست آورد (Arnold & Nieves, 1992; Blackman et al., 1993: 61). البته همه کالاهای تولیدی متخصصین استاندارد نیستند؛ کالاهای تجملی و بلند پایه که بوسیله متخصصین وابسته به نخبه ها به صورت همگون تولید شده اند، ممکن است بمانند باشند (Costin, 1991: 34)، با اینحال، تمام کالاهای استاندارد بوسیله متخصصین ساخته شده اند.

این درست است که برای برخی از انواع کالاها، از قبیل مهره ها و سبیل های مادی بیان کننده موقعیت و مقام نخبه ها، تک بودن و یگانگی هر شیء مورد تاکید قرار می گیرد، اما در کل، این قابل انتظار است که تولید تخصصی منجر به ایجاد همگونی و استانداردسازی اشیاء خواهد شد. استانداردسازی نتیجه افزایش بازدهی تولید و به حداقل رساندن هزینه های کار از طریق فعالیت های مکرر است (Sinopoli, 1988: 582).

فینمن و همکارانش (1984: 299) با اشاره به نقش بهره وری هزینه<sup>۱</sup> و بهره وری کیفیت<sup>۲</sup>، عنوان می کنند که «افزایش در مکانیزه شدن و تکراری شدن و وظایف که بوسیله اقتصاد های شاخص ممکن شد» از عوامل مهم استانداردسازی هستند. همچنین بلفست (1965: 170) پیدایش استانداردسازی را به درجه بالای تکرار که در واحدهای تولیدی بزرگ و دائمی وجود دارد، نسبت می دهد.

رایس (1996: 181) اشاره می کند که استانداردسازی بخشی از افزون شدگی (تشدید) اقتصادی است و در طی زمان و از طریق مقایسه های مقیاس - بزرگ (مثلاً در یک مجموعه، یک ترکیب، یک محوطه، یا یک سطح منطقه ای) بهتر سنجش می شود.

بیشتر تکنولوژی های تولیدی در اقتصادهای جوامع پیچیده منجر به ارائه محصولات کاملاً یکسان در تولیداتشان نشده اند. بنابراین، مادامی که ما انتظار داریم، استانداردسازی پیامد فعالیتهای تولیدی تخصصی و افزایش در میزان تولید است،

1- Cost Effectiveness  
2- Improved Efficiency

فاصله اجتماعی زیاد مابین آن دو، این امکان وجود دارد که محتوای پیام‌ها توسط گروه مصرف‌کننده قابل درک و شناسایی نباشد. بنابراین نمودهای سبکی که ممکن است پیام‌هایی در زمینه رتبه‌های اجتماعی، تعلق به گروه‌های جداگانه، اعتقادات دینی، مالکیت، وابستگی سیاسی و نظیر آن داشته باشند، همچنین می‌توانند علائمی از پیوستگی یا افتراق اجتماعی را آشکار سازند (Wobst, 1977: 322-28).

در جوامع ساده‌تر که فاقد رتبه‌های اجتماعی هستند یا رتبه‌های اجتماعی معدودی در آنها وجود دارد، از یکسو تعداد پیام‌های سبکی که منتقل می‌شود کمتر است، و از سوی دیگر محتوای پیام‌ها از پیچیدگی کمتری نیز برخوردار است؛ حال آنکه در جوامع پیچیده‌تر که هم تعداد گروه‌های اجتماعی جداگانه، و هم تعداد گروه‌های هم‌سطح در آنها زیاد است، تعداد پیام‌ها و محتوای آنها از پیچیدگی فراوانی برخوردار است (در این باره بنگرید به، Pollock, 1983).

اما همچنان سؤالات زیادی در باره امکاناتی که مطالعه سبک در اختیار باستان‌شناسان قرار می‌دهد، وجود دارد، به عنوان نمونه آیا می‌توان بر اساس سبک اشیاء به قومیت (گروه قومی) تولیدکنندگان آنها دست پیدا کرد، به عبارت دیگر آیا سبک به عنوان بیانی صریح در اشیاء منعکس‌کننده قومیت تولیدکنندگان است. یکی دیگر از موضوعات مهم این است که در پژوهش‌های باستان‌شناختی همیشه این امکان که محصولات مادی در بافت اجتماعی که تولید شده‌اند، بدست بیایند، وجود ندارد و بیشتر اوقات باستان‌شناسان محصولات را خارج از بافت تولیدی و بیشتر در بافت مصرفی آن می‌یابند، و این می‌تواند تحلیل‌های باستان‌شناختی را با مشکل مواجه کند.

#### شواهد باستان‌شناختی تخصص گرایی فن

پژوهش‌های قوم‌نگاری و قوم‌باستان‌شناسی اغلب بر تولید، و بارها بر اهمیت تکنیک‌های تولیدی یا الگوهای یادگیری یک جامعه تمرکز کرده‌اند. تشخیص متخصصین اقتصادی بوسیله یک یا ترکیبی از معیارهای زیر ممکن می‌شود: مقدار زمان صرف شده برای ایجاد آن پیشه؛ مقدار و سهم عایدی بدست آمده از طریق آن پیشه؛ وجود یک عنوان مشخص‌کننده یا نام

اهمیت پیدا کرد، و نتیجه بحثها و منازعات موجب شکل‌گیری یک بدنه ادبی قوی برای مفهوم سبک و تنوع سبکی شد (مثلاً بنگرید به، Deetz, 1965; Longacre, 1970; Hill, 1977; 1985; Sackett, 1977; 1985; 1990; Lechtman, 1977; Plog, 1978; 1980; Binford, 1989; Conkey & Hastorf, 1990; Hegmon, 1998).

بر اساس مطالعات فوق تعاریف فراوانی در باره مفهوم سبک عنوان شده است: ۱- سبک تنوع شکلی در فرم، الگو، یا طرح یک شیء است که متضمن معانی فرهنگی است، و بنابراین ممکن است به عنوان شکلی از ارتباط سمبلیک میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن کالا بکار رود، اما مستقل از کاربرد آن یا مقاصد کارکردی که انجام می‌دهد. ۲- مجموع ویژگی‌های تشخیصی هر شیء که با ارائه خاستگاه زمانی و مکانی آن شیء، برای تشخیص پیوستگی فرهنگی استفاده می‌شود. ۳- تغییر پذیری شکلی در فرهنگ مادی که اطلاعاتی در باره هویت فردی و اجتماعی منتقل می‌کند (Wiessner, 1983: 256).

یکی از بحث‌هایی که از حدود دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد این است که روش‌های مختلف یادگیری منجر به تولید محصولات با سبک‌های مختلف می‌گردد (Wobst, 1977). بنابراین بافت اجتماعی که محصولات در داخل آنها تولید می‌شود، با شکل‌گیری سبک و تنوع سبکی ارتباط مستقیمی دارد (بنگرید به، Pollock, 1983). به نظر وبست (1977: 321) سبک آن بخش از تنوع شکلی در فرهنگ مادی است که در فرایند تبادل اطلاعات نقش دارد، و یکی از کارکردهای ارتباطی آن ابلاغ اطلاعاتی در باره مشخصات اجتماعی و نشان دادن مرزهای بین گروه‌های اجتماعی است. از اینرو سبک به عنوان یک رفتار اجتماعی که در آثار مادی نمود دارد، متضمن پیام‌هایی اجتماعی است؛ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این آثار مادی در صورتیکه میزان برهم‌کنش اجتماعی مابین آنها زیاد باشد، به محتوای پیام‌های درون سبک آگاهی دارند. به عبارت دیگر هرچه فاصله اجتماعی میان تولیدکننده و مصرف‌کننده کمتر باشد، آگاهی از محتوای پیام‌ها برای گروه مصرف‌کننده بیشتر خواهد شد و بالعکس در صورت وجود

چاقوهای مستعمل که در صورت نیاز مجدداً تیز می‌شوند (Tosi, 1984: 23-27).

از جمله نخستین استقرارهایی که تخصصی شدند می‌توان به سازندگان ابزارهای سنگی و سازندگان سفال اشاره نمود. دیگر متخصصین اولیه احتمالاً در برگیرنده جادوگران/روحانیون با آگاهی تخصصی از شیوه‌های شفا بخشی و دیگر آئین‌های مذهبی می‌شود. مرتبط با این افراد معمولاً یک دسته دانش تخصصی از خواص داروئی گیاهان داروئی، رستنی‌ها، و محصولات جانوری وجود داشت. هرچند آثار کمتری از چنین متخصصینی در مقایسه با فعالیت‌های تولیدی در مدارک باستان‌شناختی باقی می‌ماند، برخی شواهد به صورت اسباب یا متعلقات آیین مذهبی حفظ شده است، و یا حتی ممکن است تراکمی از بقایای حفظ شده گیاهان و رستنی‌های داروئی در مدارک باستان‌شناختی باقی بمانند اگرچه بسیار نادر است، مانند مدارکی که از کاوش‌های شهر سوخته بدست آمده اند (بنگرید به کنستانتینی و دیگران، ۱۳۸۶).

تمایز مابین تخصص‌گرایی تمام‌وقت و پاره‌وقت در مدارک باستان‌شناختی می‌تواند چالش برانگیز باشد، برخی معتقدند که این تمایز رایج‌ترین روش برای تشخیص، طبقه‌بندی و تحلیل تخصص‌گرایی فن در پیش از تاریخ است؛ تولیدکنندگان پاره‌وقت معمولاً کالاها را در یک سیکل فصلی یا دو بار در سال تولید می‌کنند و تولید خود را به عنوان یک منبع مهم درآمد به حساب نمی‌آورند، و این در حالیست که متخصصین تمام‌وقت کسانی هستند که در فعالیتهای مربوط به تولید غذا شرکت ندارند و نیازهای معیشتی خود را از طریق مبادله محصولات یا خدماتشان با دیگران رفع می‌کنند (Arnold, 1991: 95)؛ در هر حال باید روش‌های دیگری برای تشخیص تخصص‌گرایی تمام‌وقت از تخصص‌گرایی پاره‌وقت در مدارک باستان‌شناختی بکار گرفت. پیبلز و کووس (1977) عقیده دارند که این مسأله را می‌توان با تعیین سطح سازمان سیاسی اجتماعی موجود مشخص ساخت، از زمانی که آنها پنداشتند ارتباطی مستقیم بین تخصص‌گرایی تمام‌وقت و یک سطح حکومتی سازمان یافته وجود دارد، تخصص‌گرایی پاره‌وقت به خان‌سالارها منحصر شد. در واقع انواع زیادی از داده‌ها برای تشخیص شکل

بومی برای کالای اختصاصی؛ و پرداخت پول یا هدیه ای در مبادله برای آن محصول (Rice, 1981: 219).

شواهد باستان‌شناختی از تخصص‌گرایی شامل چندین نوع از داده هاست. آنچنان که پیبلز و کووس (Peebles & Kus, 1977) عنوان کرده اند، یکی از شاخص‌های مهم در این رابطه وجود بناهای عظیم یا یادبود است، که مستلزم طراحی، بسیج نیروی عظیم کار، و سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های فراوان است، و اینها نشان‌دهنده وجود و حضور متخصصین اجرایی و اداری است (مدیران متخصص). کارهای عمومی در مقیاس زیاد، از قبیل نظام آبیاری و دیگر روش‌های افزون‌سازی کشاورزی، شواهد و مدارک بیشتری از تخصص‌گرایی اداری و اجرائی هستند (Abrams, 1987). تخصص‌گرایی فن آثاری از وجود تولید سازمان یافته فراتر از سطح تولید خانگی باقی خواهد گذاشت، اگر یک جامعه کالاها را تخصصی را به عنوان فعالیتی تجاری تولید می‌کند، این باید با همگونی یا استانداردسازی فرم در محصولات ساخته شده قابل کشف باشد، همینطور با تولید در مقادیر انبوه، به همراه فعالیتهای تولیدی متوالی که منحصر به یک مکان تخصصی است.

موریتسیو توزی برخی از معیارهای جزئی در باره ویژگی‌های بازیافت تخصصی شدن فن در مدارک باستان‌شناختی توسعه داده است. توزی مدارک و شواهد تولید تخصصی را در چندین سطح سازمان یافته مشخص نموده است، که شامل تولید خانگی، منطقه‌ای فعالیت تخصصی درون استقرار (که در چهار نوع متمایز شده است)، و مرکز فرا محلی تولید تخصصی می‌شود. وی شش دست از ویژگی‌ها و شاخص‌های باستان‌شناختی را برای تولید تخصصی فن فهرست نمود: وجود امکانات و تجهیزات مراحل مختلف تولید (پردازش)، از قبیل کوره‌ها؛ ابزار برای ساخت دیگر ابزارها، مانند قالب‌ها برای ریخته‌گری فلز؛ پس ماندهای فرایند تولید، چون ضایعات ابزار سنگی، سرباره فلز، و دیگر دور ریزها؛ محصولات نیمه تمام، شامل سنگ مادر یا قطعات سنگ چخماق، و شمش‌های فلزی؛ ذخیره‌های غیر مستعمل در انبارها، محصولات استفاده نشده منتظر برای پخش؛ و مواد منتظر برای بازیافت یا تعمیر، مانند تیغه

و روشن نمودن جنبه‌های مختلف سازمان تولید است، هدف دیگر چگونگی تمایز تخصص‌گرایی و انواع آن در مدارک باستان‌شناختی است. بر این اساس دانسته شد، تخصص‌گرایی فرایندی پیچیده و در عین حال منظم است که تنوع رفتاری و مادی در فعالیتهای تولیدی و اقتصادی را منظم و قاعده‌مند می‌سازد؛ به عبارت دیگر، تخصص‌گرایی قاعده‌مند کردن سازمان تولید و توزیع محصولات است، به نحوی که این فرایند، بازدهی در تولید، همگونی و استاندارد در خروجی، و میزان در تولید را افزایش می‌دهد.

به طور کلی شواهد باستان‌شناختی تخصص‌گرایی فن شامل دو دسته اصلی از داده‌هاست (Tosi, 1984; Arnold, 1991). نخستین دست از این معیارها شواهد مستقیم از قبیل ابزار آلات تولید یا تکنولوژی تولید است. شواهد مستقیم قابل شناسایی در کاوشها، کارگاههای تولید، مواد خام، قالبها و دیگر ابزار آلات منقول، کوره‌ها، چاله‌های پخت، آسیاب‌ها، سندان‌ها و دور ریزهای پخت هستند (شکل ۳). کاوشهای باستان‌شناختی می‌تواند شواهدی از بقایای اندک فرایند تولید را آشکار نماید و ارتباطات لایه‌نگاشتی میان فضاهای صنعتی معین شده را مشخص سازد (Tosi, 1984: 26). آسان‌ترین روش برای تشخیص تخصص‌گرایی، تعیین و تشخیص مکان‌های محل تولید یا کارگاهها است.

در کانتکست‌های باستان‌شناختی اغلب مشکل است شواهد مستقیمی از سازمان تولید یا تشخیص ظهور تخصص‌گرایی پیدا نمود، لذا دومین رهیافت، تکیه بر شواهد غیر مستقیم است که برای مطالعه محصولات ثانویه یا نتایج تولید - کالاهای تمام شده - استفاده می‌شود (Costin, 1991: 32). اشیاء تمام شده می‌تواند نشان‌دهنده سازمان تولید باشد، بویژه زمانی که با فقدان مدارک تولید از قبیل کوره‌ها، دور ریزها، ابزارها، و مواد خام در مجموعه‌های تحت مطالعه روبرو می‌شویم. کالاهای تمام شده یا نتایج تولیدات باستان‌شناسان را قادر می‌سازد تا تولید را براساس یک چنین مجموعه‌هایی به عنوان درجه استانداردسازی تولید، جزئیات طراحی و مقادیر کلی انرژی که برای ساخت هر شیء بکار برده شده است، مشخص سازند.

حکومت و وجود متخصصین تمام‌وقت یا پاره‌وقت مورد نیاز است (Peregrine, 1991).

تولید تجاری ممکن است در جوامع خان‌سالار نیز بخوبی جوامع حکومتی وجود داشته باشد، وقتیکه تولیدات منحصر به استفاده نخبه‌ها و متخصصین تشریفاتی<sup>۱</sup> است، لذا تمرکز اصلی چنین جوامعی به تجارت است، و در مقادیر انبوه برای چنین هدفی تولید می‌شوند.

در جوامع خان‌سالار و همینطور حکومتی ممکن است تخصص‌گرایی در سطح خانگی در کنار تولید تجاری در منطقه مختص تولیدی وجود داشته باشد. پژوهش توزی در باره تخصص‌گرایی فن چنین وضعیتی را نشان داد، جایی که تولید پارچه و چرم تنها در منطقه مسکونی انجام می‌شد، حال آنکه ابزارهای سنگی و برش و تراش سنگ‌های قیمتی به مناطق کارگاهی تخصصی منحصر می‌شدند (Tosi, 1984).

در پژوهش‌های باستان‌شناختی اخیر بر روی تخصص‌گرایی فن در دوره باستان (مثلاً بنگرید به، Evans, 1978; Chang, 1980; Muller, 1984; Morris & Thompson, 1985; Tobert, 1985; Arnold, 1987; Brumfiel, 1987; Earle, 1987; Galvin, 1987; Santley *et al.*, 1989) نوعاً تنوعی از تکنیک‌های کمی، شامل روش‌های آماری چند متغیری برای ساده‌تر کردن و توضیح اطلاعات بازیافتی از مدارک باستان‌شناختی که اغلب دارای پیچیدگی زیادی هستند، بکار رفته‌اند، و همینطور برای کشف الگوهای مهم که امکان ارائه تحلیل‌های پیچیده و مفصل از این داده‌ها را میسر می‌سازد، چیزی که در گذشته امکان آن وجود نداشت. چنین روش‌هایی ساخت مدل‌هایی برای تفسیر نظام‌های اقتصادی پیش از تاریخی را ممکن می‌سازند (مثلاً بنگرید به: Gilman, 1976; 1987)؛ با ساخت چنین مدل‌هایی می‌توان بر پویایی‌های فرهنگی که در پیشرفت و عملکرد چنین نظام‌هایی دخیل هستند، و بر تغییراتی که طی زمان متحمل می‌شوند، نوری افکند.

### حاصل سخن

یکی از اهداف اصلی نگارش این مقاله تعریف تخصص‌گرایی



علیرغم تاکید بر ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع به عنوان یک عامل اصلی در بروز تخصص‌گرایی، انسان‌شناسان و باستان‌شناسان معمولاً خاستگاه‌های تخصص‌گرایی را با استفاده از سه نوع مدل تفسیر می‌کنند (شکل ۱): ۱- مدل توسعه تجاری (Alchian & Allen, 1969: 204; Costin, 1991: 4; ) ۲- مدل تطبیقی (Cobb, 1993: 66; Rice, 1981: 220)، ۳- مدل سیاسی (Brumfiel & Earle, 1987: 1; ) (Blackman et al., 1993: 60).

بنابراین شواهد باستان‌شناختی تخصص‌گرایی فن شامل دو دست از مدارک مشهود و مستقیم و مدارک نامشهود و غیر مستقیم است. با وجود این هر یک از شاخص‌های تولید تخصصی مشکلات خاصی برای تفسیر ارائه می‌کند. در باره ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری تخصص‌گرایی فن در بین جوامع نیز انسان‌شناسان و باستان‌شناسان دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ با وجود این بیشتر باستان‌شناسان معتقدند که تخصص‌گرایی مشخصه اصلی جوامع پیچیده است و با سازمان اجتماعی و اقتصاد سیاسی این جوامع ارتباط نزدیکی دارد.

### منابع

#### الف) فارسی

از شهر سوخته، ترجمه سید منصور سید سجادی، در: گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)، جلد اول، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص ۳۳۸-۳۳۳.

کستانتینی، لورنزو، لوردانا کستانتینی، متو دله دونه، سید منصور سید سجادی و سیرو استریکا ۱۳۸۶، مطالعات مواد ارگانیکی بدست آمده

#### ب) غیرفارسی

Abrams, E. M.; 1987, Economic Specialization and Construction Personal in Classic Period Copan, Honduras, *American Antiquity*, Vol. 52(3), pp. 485- 499.

Cambridge University Press.

Alchian, A., & W. Allen, 1969, *Exchange and Production Theory in Use*, Wadsworth Publishing, Belmont, California.

Benco, N., 1988, Morphological Standardization: an Approach to the Study of Craft Specialization. In: *A Pot for All Reasons: Ceramic Ecology Revisited*, Kolb, C., & Lackey, L., (eds.), pp. 157-72, Philadelphia: Temple University Laboratory of Anthropology.

Arnold, D., 1975, Ecological Variables and Ceramic Production: Towards a General Model, in: *Primitive art and technology*, Raymond, J. S., Loveseth, B., Arnold, D., Reardon, G., (eds.), pp. 92-108, Calgary: University of Calgary Archaeological Association.

Binford, L. R., 1962, Archaeology as Anthropology, *American Antiquity*, Vol. 28, pp. 216-25.

Arnold, D., & Nieves, A., 1992, Factors Affecting Ceramic Standardization, in: *Ceramic Production and Distribution: An Integrated Approach*, Bey, G., & Pool, C., (eds.), pp. 93-1 13, West view, Boulder, Colorado.

Blackman, M. J., Stein, G. J., Vandiver, P. B., 1993, The Standardization Hypothesis and Ceramic Mass Production: Technological, Compositional, and Metric Indexes of Craft Specialization at Tell Leilan, Syria, *American Antiquity*, Vol. 58, No. 1, pp. 60-80.

Arnold, J. E., 1987, *Craft Specialization in the Prehistoric Channel Islands, California*, Berkeley: University of California Press.

Brumfiel, E., & Earle, T. K., 1987, Specialization, Exchange, and Complex Societies: An Introduction. In: *Specialization, Exchange, and Complex Societies*, Brumfiel, E., & Earle, T. K., (eds.), pp. 1-10, Cambridge University Press, Cambridge.

Arnold, P. J. III, 1991, *Domestic Ceramic Production and Spatial Organization: A Mexican Case- Study in Ethnoarchaeology*, Cambridge:

Childe, V. G., 1936, *Man Makes Himself*, New York, Mentor Book.

- Childe, V. G., 1950, The Urban Revolution, *Town Planning Review*, Vol. 21, pp. 3-17.
- Childe, V. G., 1958, *The Prehistory of European Society*. Harmondsworth, Penguin.
- Childe, V. G., 1974 [1950], The Urban Revolution, in: *The Rise and Fall of Civilization*, Sabloff, J., & Lamberg-Karlovsky, C. C., (eds.), pp. 4-11, Menlo Park, CA: Cummings Publishing.
- Clark, J. E., 1995, Craft Specialization as an Archaeological Category, *Research in Economic Anthropology*, Vol. 16, pp. 267-294.
- Clark, J. E., & Parry, W. J., 1991, Craft Specialization and Cultural Complexity, *Research in Economic Anthropology*, Vol. 12, pp. 289-346.
- Cobb, C. R., 1993, Archaeological Approaches to the Political Economy of Nonstratified Societies, *Archaeological Method and Theory*, Vol. 5, (1993), pp. 43-100.
- , 1996, Specialization, Exchange, and Power in Small-Scale Societies and Chiefdoms, *Research in Economic Anthropology*, 17: 251-294.
- Conkey, M. W., & Hastorf, C., (eds.), 1990, *The Uses of Style in Archaeology*, Cambridge University Press.
- Costin, C. L., 1991, Craft Specialization: Issues in Defining, Documenting, and Explaining the Organization of Production, in: *Archaeological Method and Theory*, Schiffer, M. B., (ed.), pp. 1-56, University of Arizona Press, Tucson, vol. 3.
- , 1996, Craft Production and Mobilization Strategies in the Inka Empire, in: *Craft Specialization and Social Evolution: In Memory of V. Gordon Childe*, Wailes, B., pp. 211-225, The University of Pennsylvania Museum, Philadelphia.
- , 2001, Craft production Systems, in: *Archaeology at the Millennium: A Sourcebook*, eds, Feinman, G. M., & Price, T. D., (eds.), pp.273-328, New York: Kluwer.
- Costin, C. L. & Hagstrum, M. B., 1995, Standardization, Labor Investment, Skill, and The Organization of Ceramic Production in Late Prehistoric Highland Peru, *American Antiquity*, Vol. 60, No. 4, pp. 619-639.
- Cross, J. R., 1993, Craft Specialization in Nonstratified Societies, *Research in Economic Anthropology*, Vol. 14, pp. 61-84.
- Deetz, J., 1965, *The Dynamics of Stylistic Change in Arikara Ceramics*, Illinois Studies in Anthropology no. 4, Urbana: University of Illinois Press.
- Dow, M. M., 1985, Agricultural Intensification and Craft Specialization: A Nonrecursive Model, *Ethnology*, Vol. 24(2), pp. 137-52.
- Earle, T. K., 1981, Comment on Rice. *Current Anthropology* 22(3): 230-31.
- , 1987, Specialization and the Production of Wealth: Hawaiian Chiefdoms and the Inka Empire. In: *Specialization, Exchange and Complex Societies*, Brumfiel E. M., & Earle, T. K., (eds.), pp. 64-75, Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, R. K., 1978, Early Craft Specialization: an Example from the Balkan Chalcolithic. In: *Social Archaeology: Beyond Subsistence and Dating*, Redman, C. L., Berman, J. J., Curtin, E. V., Langhorne, W. T. Jr., Versaggi, N. M., & Wanser, J. C., (eds.), pp. 113-29, New York: Academic Press.
- Fazeli Nashli, H., 2001, *An Investigation of Craft Specialisation and Cultural Complexity of the Late Neolithic and Chalcolithic Periods in the Tehran Plain*, Ph.D. Dissertation in Archaeology, University of Bradford.
- Flannery, K. V., 1972, Analysis of Stylistic Variation within and Between Communities, in: *The Early Mesoamerican Village*, Flannery, K. V., (ed.), pp. 25 1-54, New York: Academic.
- Galvin, K. F., 1987, Forms of Finance and Forms of Production: the Evolution of Specialized Livestock Production in the Ancient Near East, in: *Specialization, Exchange and Complex Societies*, Brumfiel E. M., & Earle, T. K., (eds.), pp. 119-129, Cambridge: Cambridge University Press.

- Gilman, A., 1976, Bronze Age Dynamics in Southeast Spain. *Dialectical Anthropology* 1: 307-319.
- , 1987, Unequal Development in Copper Age Iberia, in: *Specialization, Exchange and Complex Societies* Brumfiel E. M., & Earle, T. K., (eds.), pp. 22-29, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hegmon, M., 1998, Technology, Style, and Social Practice: Archaeological Approaches, in: *The Archaeology of Social Boundaries*, Stark, M., (ed.), pp. 264-279, Smithsonian Institution Press, Washington, DC.
- Helms, M., 1993, *Craft and the Kingly Ideal*, Austin: University of Texas Press.
- Hill, J. N., 1977, Individual Variability in Ceramics and the Study of Prehistoric Social Organization. in *The Individual in Prehistory: Studies of Variability in Style in Prehistoric Technologies*, eds. J. N. Hill, J. Gunn, pp. 55-108. New York: Academic, 258 pp.
- , 1985, Style: a Conceptual Evolutionary Framework. in *Decoding Prehistoric Ceramics*, ed. by B. A. Nelson, Southern Illinois University Press, Carbondale and Edwardsville, pp. 362-385.
- Lechtman, H., 1977, Style and technology- some Early Thoughts, in: *Material Culture: Style, Organization and dynamics of Technology*, Lechtman, H., & Merlin, R., (eds.), pp. 3-20, New York: West Publishing.
- Longacre, W. A., 1970, Standardization and Specialization: What's the Link? In: *Pottery and People: A Dynamic Interaction*, Skibo, J. M., & Feinman, G. M., (eds.), pp. 44-58, University of Utah Press, Salt Lake City.
- Peebles, C., & S. Kus, 1977, Some Archaeological Correlates of Ranked Societies, *American Antiquity*, Vol. 42, pp. 421-448.
- Peregrine, P., 1991, Some Political Aspects of Specialization, *World Archaeology*, Vol. 23, pp. 1-11.
- Plog, S., 1978, Social Interaction and Stylistic Similarity: A Reanalysis, *Advance in Archaeological Method and Theory*, Academic Press, New York, 5, pp. 143-182.
- Pollock, S., 1983, Style and Information: As Analysis of Susiana Ceramics, *Journal of Anthropological Anthropology*, Vol. 2, pp. 354-390.
- Pollock, S., 1999, *Ancient Mesopotamia: the Eudon Never Was*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Rice, P. M., 1976, Ceramic Continuity and Change in the Valley of Guatemala: A Study of Whiteware Pottery Production. Unpublished Ph.D. Dissertation, Pennsylvania State University, University Park, Pa.
- , 1981, Evolution of Specialized Pottery Production: A trial Model, *Current Anthropology*, Vol. 22, pp. 219-240.
- , 1987, *Pottery Analysis: a Sourcebook*. Chicago: University of Chicago Press.
- , 1991, Specialization, Standardization, and Diversity: A Retrospective, in: *The Ceramic Legacy of Anna O. Shepard*, Bishop, R., & Lange, F. W., (eds.), pp. 257-279, University Press of Colorado, Niwot, Colorado.
- Sackett, J. R., 1977, The Meaning of Style in Archaeology: a General Model, *American Antiquity*, Vol. 42(3), pp. 369-380.
- , 1985, Style and Ethnicity in the Kalahari: a Reply to Wiessner, *American Antiquity*, Vol. 50(1), pp. 154-159.
- , 1990, Style and Ethnicity in Archaeology: the Case for Isochrestism, in: *The Uses of Style in Archaeology*, Conkey, M. W., & Hastorf, C., (eds.), pp. 32-43, Cambridge University Press.
- Shanks, M., & Tilley, C., 1987, *Social Theory and Archaeology*, Polity Press.

Shepard, A. O., 1965, Rio Grande Glaze-Paint Pottery: A Test of Petrographic Analysis, in: *Ceramics and Man*, Matson, F. R., (ed.), pp. 62-87, Chicago: Aldine.

Sinopoli, M. C., 1988, Standardization and Specialization: Ceramic Production at Vijayanagara, South India, in: *Old Problems and New Perspectives in the Archaeology of South Asia*, Kenoyer, J. M., (ed.), pp. 263-272, University of Wisconsin, Madison.

Stark, M. T., 1991, Ceramic production and Community Specialization: A Kalinga Ethnoarchaeological Study, *World Archaeology*, Vol. 23, pp. 64-78.

—————, 1995, Economic Intensification and Ceramic Specialization in the Philippines: A View from Kalinga, *Research in Economic Anthropology*, Vol. 16, pp. 179-226.

Stein, G. J., 1996, Producers, Patrons, and Prestige: Craft Specialist and Emergent Elites in Mesopotamia from 5500-3100 BC, in: *Craft Specialization and Social Evolution: In Memory of V. Gordon Childe*, Wailes, B., (ed.), pp. 25-38,

The University of Pennsylvania Museum, Philadelphia.

Stein, G., & Blackman, M. J., 1993, The Organizational Context of Specialized Craft Production in Early Mesopotamian States, *Research in Economic Anthropology*, Vol. 14, pp. 29-59.

Tobert, N., 1985, Craft Specialization: a Seasonal Camp in Kebkebiya, *World Archaeology*, Vol. 17(2), pp. 278-288.

Tosi, M., 1984, The Notion of Craft Specialization and its Representation in the Archaeological Record of Early States in the Turanian Basin, in: *Marxist Perspectives in Archaeology*, Spriggs, M., (ed.), pp. 22-52, Cambridge: Cambridge University Press.

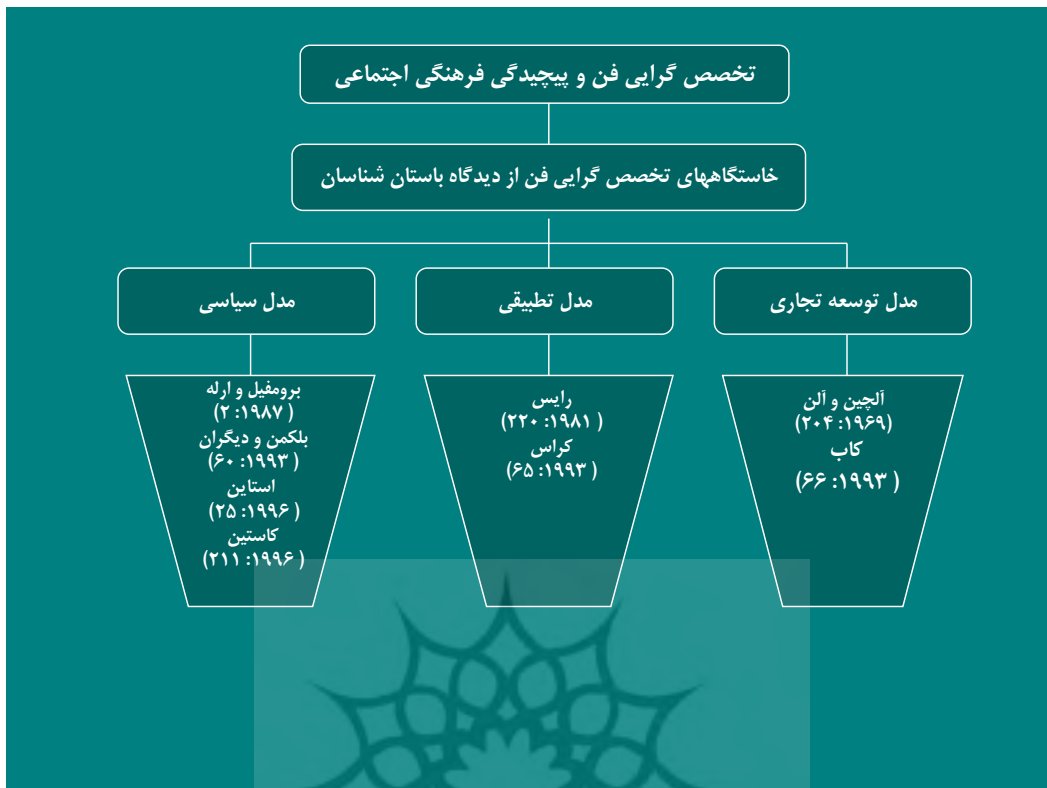
Wobst, H. M., 1977, Stylistic Behavior and Information Exchange, in: *For the Director: Research Essays in Honor of James Benntt Griffin*, Cleland, C. B., (ed.), pp. 317-342, University of Michigan, Museum of Anthropology, Anthropological Papers 61, Ann Arbor.

## منابعی برای مطالعات بیشتر

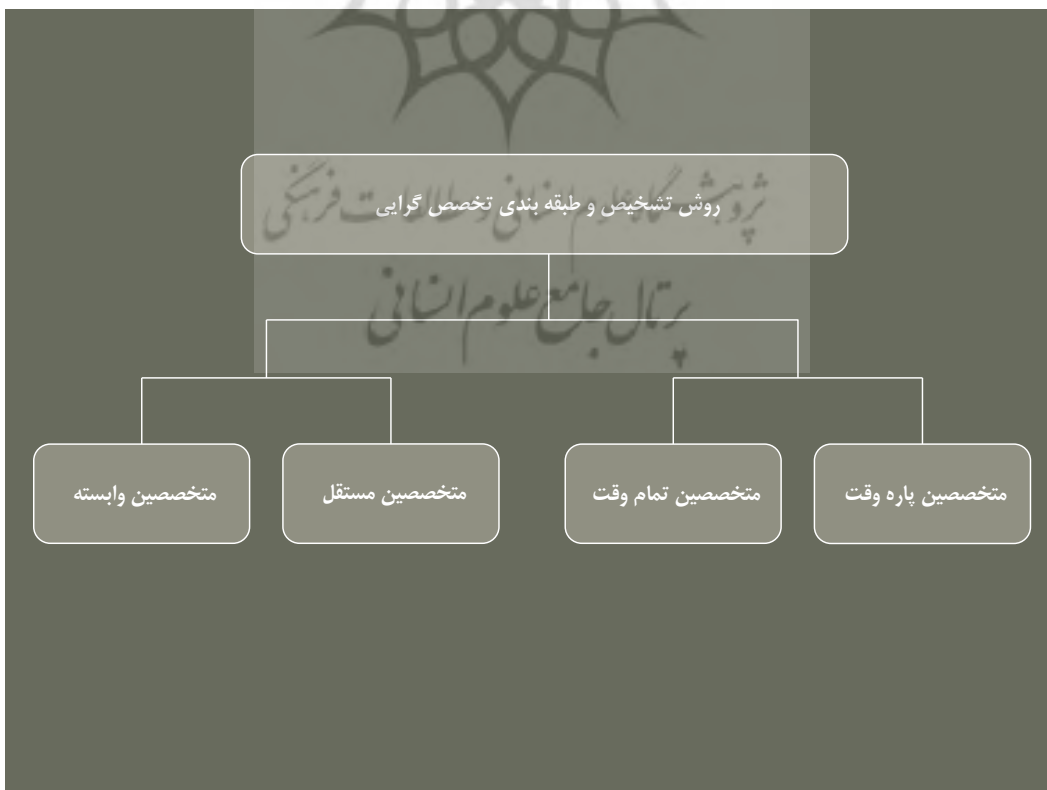
- Alden, J. R., 1982, Market Exchange as Indirect Distribution: An Iranian Example, in: *Contexts for Prehistoric Exchange*, Ericson, J. E., & Earle, T., (eds.), pp. 83-101, New York, Academic Press.
- Alizadeh, A., 1988, Socio-Economic and Political Complexity in Highland Iran During Fifth and Fourth Millennium B.C.: The Evidence From Tall- i Bakun A, *IRAN*, Vol. 16, pp. 17-34.
- Andrefsky, Jr. W., 1994, Raw Material Availability and the Organization of Technology, *American Antiquity*, Vol. 59, pp. 21-35.
- Arnold, D., 1978a, Ceramic Variability, Environment, and Culture History among the Pokom in the Valley of Guatemala, in: *The spatial Organization of Culture*, Hodder, I., (ed.), pp. 39-60, Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- , 1978b, Ethnography of Pottery making in the Valley of Guatemala, in: *The ceramics of Kaminaljuyu*, Wetherington, R. K., (ed.), pp. 327-400, University Park: Pennsylvania State University Press.
- , 1980, Localized Exchange: an Ethnoarchaeological Perspective, in: *Models and Methods in Regional Exchange*, Fry, R. E., (ed.), pp. 147-150, Society for American Archaeology Papers No. 1. Washington, DC.
- , 1985, *Ceramic Theory and Cultural Process*, Cambridge: Cambridge University Press.
- , Neff, H., & Bishop, R., 1991, Compositional Analysis and "Sources" of Pottery: An Ethnoarchaeological Approach, *American Anthropologist*, Vol. 93, pp.70-90.
- Arnold, P. J. III, 1991a, Dimensional Standardization and Production Scale in Mesoamerican Ceramics, *Latin American Antiquity*, Vol. 2(4), pp. 263- 270.
- Bates, D. G., & Lees, S. H., 1977, The Role of Exchange in Productive Specialization, *American Anthropologist*. Vol. 79(4), pp. 824-41.
- Brumfiel, E. M., 1980, Specialization, Market Exchange, and the Aztec State: a View from Huexotla, *Current Anthropology*, Vol. 21, pp. 459-478.
- Brumfiel, E. M., 1987, Elite and Utilitarian Crafts in the Aztec State, in: *Specialization, Exchange, and Complex Societies*, Brumfiel, E. M., & Earle, T., (eds.), pp. 102-118, Cambridge University Press, Cambridge.
- Childe, V. G., 1934, *New Light on the Most Ancient East: The Oriental Prelude to European Prehistory*, London, Kegan Paul.
- , 1935, *The Prehistory of Scotland*, London, Kegan Paul.
- , 1946, *What Happened in History*, New York: Penguin Books.
- , 1952, *New light in the Most Ancient East*, London, Routledge and Kegan Paul.
- Clark, J. E., 1986, *Craft Specialization and Cultural Complexity*, Manuscript in the Department of Anthropology, University of Michigan, Ann Arbor, Michigan.
- Costin, C. L., 2001b, Production and exchange of ceramics, in: *Empire and Domestic Economy*, D'Altroy, T. N., & Hastorf, C. A., (eds.), pp. 203-242, New York: Plenum.
- Earle, T., 1991, Property Rights and the Evolution of Chiefdoms, in *Chiefdom: Power, Economy and Ideology*, ed. by T. Earle, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 71-99.
- , 1997, *How Chiefs Comes to Power*, Stanford University Press, Stanford California.
- Fazeli, N. H., Coningham, R. A. E., Young, R. L., Gillmore, G. K., Maghsoudi, M., & Raza, H. [ H. R. Valipour], 2007, Socio-Economic Transformations in the Tehran Plain: Final Season of Settlement Survey and Excavations at Tepe Pardis, *IRAN*, Vol. 45, pp. 267- 285.
- Hagstrum, M. B., 1985, Measuring Prehistoric Ceramic Craft Specialization: A Test Case in the American Southwest, *Journal of Field Archaeology*, Vol. 12, pp. 65-75.

- Hantman, J. L., 1983. *A Socioeconomic Interpretation of Ceramic Style Distributions in the Prehistoric Southwest*, Ph.D. Dissertation, Arizona State University, Tempe.
- Hart, K., 1982, On Commoditization, in: *From Craft to Industry: The Ethnography of Proto-Industrial Cloth Production*, Goody, E. N., (ed.), pp. 38-49, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hill, J. N.; 1985, Style: a Conceptual Evolutionary Framework. in *Decoding Prehistoric Ceramics*, ed. by B. A. Nelson, Southern Illinois University Press, Carbondale and Edwardsville, pp. 362-385.
- Hodder, I., 1981, Society, Economy, and culture: An Ethnographic Case Study Amongst the Lozi, in: *Pattern of the Past*, Hodder, I., Isaac, G., & Hammond, N., (eds.), pp. 67-95. New York: Cambridge Univ. Press.
- Lees, S. H., & Daniel, G. B., 1974, The Origins of Specialized Nomadic Pastoralism: A System Model, *American Antiquity*, Vol. 39 (2), pp. 187-193.
- Longacre, W., Kvamme, A. K., & Kobayashi, M., 1988, Southwestern Pottery Standardization: An Ethnoarchaeological View from the Philippines. *The Kiva*, Vol. 53, pp. 101-112.
- Miller, D., 1982, Structures and Strategies: An Aspect of the Relationship Between Social Hierarchy and Cultural Change, in: *Symbolic and Structural Archaeology*, Hodder, I., (ed.), pp. 89-98, Cambridge: Cambridge University Press.
- Plog, S., 1980, *Stylistic Variation in Prehistoric Ceramics*, New York: Cambridge University Press.
- , 1983, Analysis of Style in Artifacts, *Annual Review of Anthropology*, Vol. 12, pp. 125-142.
- Plog, S., 1995, Approaches to Style, Complements and Contrasts, in: *Style, Society and Person: Archaeological and Ethnoarchaeological Perspective*, Carr, C., & Nitzel, J. E., (eds.), pp. 369-392, Plenum Press, New York and London.
- Riley, J., 1979, Industrial Standardization in Cyrenaica during the Second and Third Centuries A.D.: The Evidence from Locally Manufactured Pottery, pp. 73-78. *Society for Libyan Studies 2<sup>nd</sup>*, Annual Report (1979-1980).
- Rottlander, R. A., 1967, Is Provincial Roman Pottery Standardized? *Archaeometry*, Vol. 9, pp. 76-91.
- , 1968, Standardization of Roman Provincial Pottery, II, *Archaeometry*, Vol. 10, pp.35-46.
- Roux, V., & Corbetta, D., 1989, Wheel Throwing Technique and Craft Specialization, in: *The Potter's Wheel. Craft Specialization and Technical Competence*, Roux, V., (ed.), pp. 1-91, New Delhi: Oxford University Press and IBH Publishing.
- Sinopoli, M. C., 1991, *Approaches to Archaeological Ceramics*, Plenum Press, New York and London.
- , 2003, *The Political Economy of Craft Production: Crafting Empire in South India, c. 1350-1650*, New York: Cambridge University Press.
- Stein, G., & Blackman, M. J., 1991, Politics and Potters: Compositional and Metric Evidence for the Organization of Specialized Ceramic Production in Early Complex Societies, *Paper presented at the 90<sup>th</sup> Annual Meeting of the American Anthropological Association*, Chicago.
- Wattenmaker, P., 1990, *The Social Context of Specialized Production: Reorganization of Household Craft and Food Economies in the Early Near Eastern State*, Ph.D. dissertation, University of Michigan, University Microfilms, Ann Arbor.

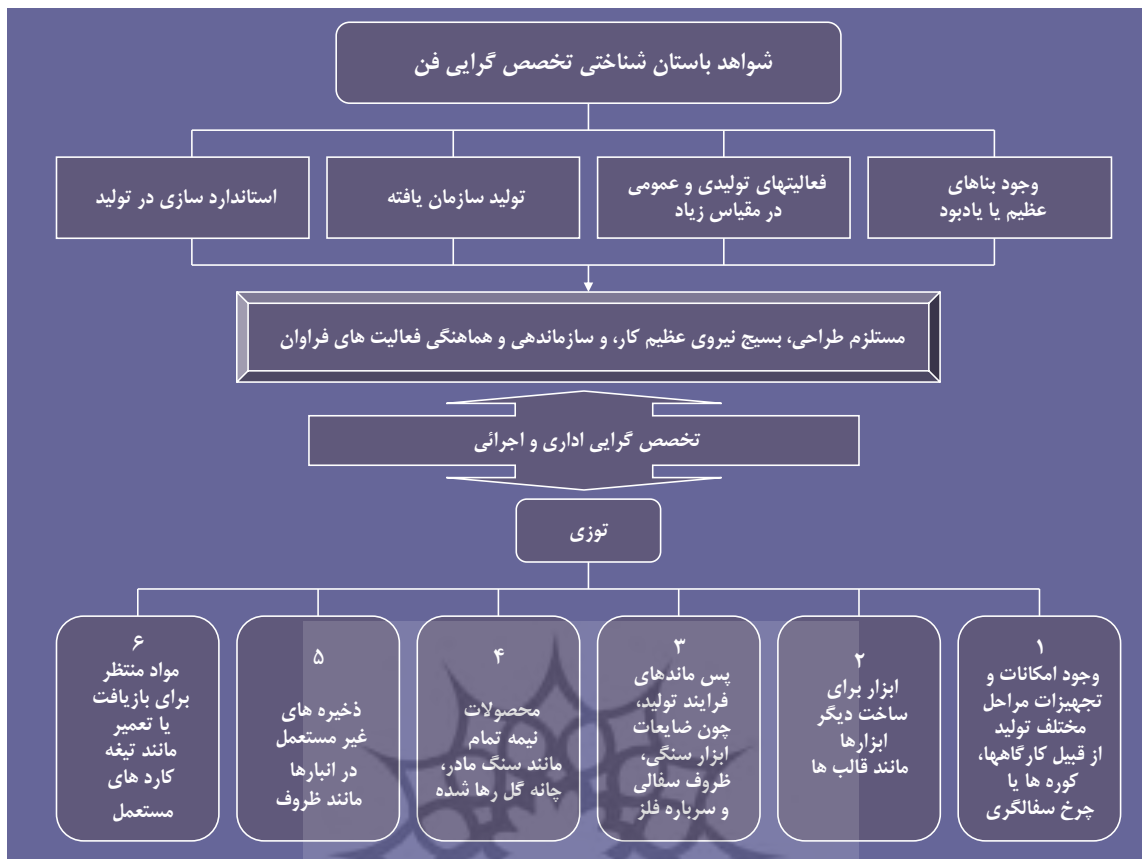
نمودارها



شکل ۱: خاستگاه‌هاي تخصص گرايي فن.



شکل ۲: طبقه بندي متخصصين.



شکل ۳: شواهد باستان‌شناختی تخصص گرایی فن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی